

توطئه امریکا برای تجزیه ایران افشاء شد، ولی این خطر همچنان باقی است

✽ تلاش آمریکا برای «تقسیم بی‌آبرویی» شیوه جدید تبلیغات ضد شوروی امپریالیسم است.

اوایل پناه ۵۹، «طرح» جدید آمریکا موسوم به «طرح لوئیز» از طرف هفته نامه هندی «بلیتس» فاش شد. طبق این «طرح»، که تهیه آن در زمان زمامداری نیکسون و کیسینجر آغاز شده و سپس برژینسکی به تکمیل رتوس آن پرداخته است، مناطق کردستان، خوزستان و بلوچستان می‌بایستی از خاک ایران جدا شوند. «طرح لوئیز» در نظر گرفته است که در منطقه، «مینی» کشورهای جدیدی احداث شود که «بیشتر قابل هدایت» باشند. در «طرح لوئیز» پیش‌بینی شده است که در منطقه، کشورهای جدیدی نظیر «بلوچستان» در خاک ایران و پاکستان و افغانستان، «کردستان» در خاک ایران و عراق و «عربستان» در خاک ایران، واقع در امتداد مرزهای امارات متحده عربی ایجاد شود. «طرح لوئیز»

همچنین در نظر می‌گیرد که در جنوب لبنان کشور جدیدی احداث شود که در آن اکثریت مسیحی حکومت کند و با غرب روابط نزدیک داشته باشد. هفته نامه «بلیتس» نوشت که: «جنگ کنونی میان عراق و ایران برخی از جهات «طرح لوئیز» را، که علیه ملت‌های آسیا و امر صلح متوجه است، آشکار می‌سازد.»

«پراوده» تذکر داد که: «این طرح، که به نام لوئیز، صهیونیست معروف، نامگذاری شده، در حال حاضر در محافل زمامدار و نزدیک به زمامداران غربی، وسیعاً مورد بحث قرار گرفته است.»

افشاء «طرح لوئیز»، پشت‌پوشانی محافل حاکمه امریکای تسولنگر و جهانخواه را بکوجه افکند، و لذا بقیه در صفحه ۴

امام خمینی: در بازار اشخاص مخصوصی هستند که برای دولت و این جنگ کارشکنی می‌کنند

امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران پیش از ظهر پنجشنبه ۲۵ دی ماه ۵۹ در برابر گروهی از اصناف و بازاریان تهران بیاناتی ایراد کردند. امام خمینی، در آغاز از جمله گفتند: «در همه قشرها اشخاصی که مخالف با مصالح عمومی مسلمین باشند، و فعالیت‌هایشان بر این باشد که جیبهای خودشان را پر کنند، هست. بازار هم افرادی هستند که در چنین وقتی که کشور ما مبتلا به جنگ است و بی‌رزنها و بی‌مردهای دهاتی هر چه دارند، دارند در راه این اسلام و جنگ می‌دهند باز در این بازار اشخاص منحرفی هستند که از خدا بی‌خبرند و در یک همچنین موقعی کارشکنی‌ها می‌کنند برای دولت و کارشکنی‌ها می‌کنند برای این جنگی که الان ما داریم.» بقیه در صفحه ۴



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۲۱
شنبه ۲۷ دی ۱۳۵۹، مطابق با
۱۰ ربیع الاول ۱۴۰۱، بها: ۱۵۰ ریال

در ۳ روز گذشته دشمن متجاوز در جبهه گیلانغرب، تا ۱۰ کیلومتر عقب‌نشینی کرد

✽ تشنگی استراتژیک «حاجیان» از تصرف دشمن، خارج شده.
✽ یک فروند هواپیمای دیگر دشمن در جبهه آبادان سرنگون شده.

رزمندگان انقلاب در روزهای گذشته ۳ دشمنان متجاوز را زیر ضربات خویشتن داشتند و تلفات و ضایعات زیادی به تجاوزگران صدامی وارد آوردند.
فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گیلانغرب در گزارشی بقیه در صفحه ۷

بر خورد منطقی با گروهها و احزاب سیاسی بسود انقلاب و جمهوری اسلامی ایرانست

سیاست دولت درباره احزاب و گروههای سیاسی گفت: «تلاش می‌کنیم با گروهها، احزاب و دستجات، چه مخالف و اسلام‌ای ایران، نقطه نظرهای خود را درباره مسائل مختلف مملکت اعلام کرد.
آقای رجائی از جمله در مورد آقای محمدعلی رجائی، نخست‌وزیر دولت جمهوری اسلامی ایران، طی یک مصاحبه با بخش عربی صدای جمهوری

قابل توجه «میزان»، «انقلاب اسلامی»، «رنجر» و دیگر لیبرال‌ها و مائوئیستها!

ریگان هم از «خطر توده‌ایها» سخن می‌گوید!

«رونالد ریگان رئیس‌جمهور منتخب آمریکا ضمن مصاحبه‌ای که در آخرین شماره هفته‌نامه «اخبار آمریکا» گزارشهای جهان چاپ شده است، موضع خود را در برابر مسائل ایران روشن ننموده. ریگان همچنین می‌گوید که در ایران خطر بزرگتری از سوی چپ وجود دارد. حزب کمونیستی توده وابسته به مسکو، تنها منظر آن است که آشتی و سردرگمی در ایران به درجه‌ای برسد که به آنها امکان آغاز عملیات را بدهد.»

(راديو بختيار، مورخ ۲۴ دیماه ۱۳۵۹)
بنظر شما، چه کسی «خطر توده‌ایها» را «القاء» کرده است؟! بقیه در صفحه ۷

آمریکا، بعنوان يك بهانه برای تجاوزهای بیشتر، مایل نیست مسئله گروگانها حل بشود

و مستکبر ایالات متحده آمریکا، بخواهد باز هم حل مسئله گروگانها را طولانی کند و باز هم اشکال تراشی کند، دولت جمهوری اسلامی ایران، «اصول اسلامی را فدای مصلحت‌گرایی نخواهد کرد.»

حجت‌الاسلام خامنه‌ای در خطبه نماز جمعه، ضمن اشاره به حادثه گروگان‌گرفتن جاسوسان و مزدوران آمریکا در ایران و حسن‌نیتی که مجلس شورای اسلامی ایران و دولت ایران برای حل آن بخرج دادند گفت: «اما بخریبی معلوم بود که دولت متجاوز مستکبر آمریکا، نمی‌خواهد مسئله گروگانها حل بشود، او مایل است بعنوان یک وسیله بقیه در صفحه ۷

آیت‌الله منتظری: بر خورد ما با گروههایی که علیه اسلام تبلیغ نمی‌کنند، نباید خصمانه و خشن باشد

فقیه عالی‌قدر، آیت‌الله منتظری، در مصاحبه‌ای با روزنامه اطلاعات (۲۵/۱۰/۵۹) درباره مسائل مختلف مملکت، نظریات خود را عنوان کرد.
آیت‌الله منتظری در مورد خرید اسلحه گفت: «ما باید از کشوری اسلحه بخریم که آن کشور نخواهد ما را بخرد، ما اسلحه بخریم، نه اینکه خودمان را بفروشیم. هر کشوری که نخواهد ما را بخرد و فقط پول می‌خواهد بگیرد و اسلحه بدهد، ما از آن کشور باید اسلحه بخریم.»

از آیت‌الله منتظری پرسیده شد که: آیا ایشان بند «ج» قانون اصلاحات ارضی را خلاف شرع میدانند؟
آیت‌الله منتظری پاسخ داد: «نه، خلاف شرع نبود.»
آیت‌الله منتظری همچنین در مورد «حدود آزادی احزاب و گروهها» گفت: «اگر بخواهند تبلیغات علیه اسلام کنند، درست نیست آزاد باشند، ولی اگر نمی‌خواهند علیه اسلام تبلیغات کنند، انسان‌نابند به آنها کار داشته باشد و اصلاً بقیه در صفحه ۷

درباره تناسب نیرو و هادر عرصه جهانی

تبر در السالوادور ادامه دارد
صدها هزار نفر از مردم السالوادور به اعتصاب عمومی پیوستند

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متعصبان نیستند!

سرانجام «حقوق بشر» کارتر

گواه!

هنگام آنکه برق و صفر گلوله‌ها
هنگامه‌ساز پهنه آوردگاه بود،
در لحظه‌ای که خصم زکفاده عقل را
برتوده‌های کشته هجوم سپاه بود
از دود تانکهای درآتش گذاخته
کمپسار و دشت چون دل دشمن سپاه بود،
در سنگری به دامنه تپه‌ای بزرگ
آزاده‌ای گذشته زجان را پناه بود.
اندیشه‌اش جهانی و عزمش فلک‌نورد
کوه موانع از نظرش همچو کاه بود
با خلق بودن دولتش بویه و امید
از غم‌راندن مللش رسم و راه بود
می‌داشت پاس میهن خویش و چو ماکین
پاس‌وطن نداشتن او را گناه بود
جویان و ژرف‌بین ز کمینکه به چارسوی
مانند شیر گرسنه او را نگاه بود
ز آغاز شب به سینه خودکامه تیربار
لیکن به خون تپیده به‌گاه به‌گاه بود!
در زیر پشته‌های شن و خاک سوخته
از انفجار مدش بمبی تپاه بود!
تنها نبرد کرد و به‌تسلیم تن نداد
مردانه جان سپرد و تفنگش گواه بود!

موج - ۲۷ آبان ۱۳۵۹

دوران ریاست جمهوری جیمی کارتر به پایان خود رسید. یکی از گستاخی‌های کارتر در زمان اقامتش در «کاخ سفید»، نوحه‌سرای‌های او درباره باصلاح حقوق بشر بود، که جارجیان مزدورامپریالیسم آمریکا وظیفه تبلیغ هیاووار آنرا در سراسر جهان بعهده گرفتند. بررسی نمونه‌ای از موارد بی‌شمار نقض حقوق بشر از سوی امپریالیست‌ها و هم‌پیمانان ارتجاعی آنها تنها در یک هفته، نشان می‌دهد که «حقوق بشر» کارتر و شرکاء تا چه اندازه عوامفریبانه است:

ایالات متحده آمریکا: در واشنگتن اعلام شد که ۴۰ میلیارد دلار به بودجه نظامی آمریکا در اروپای مرکزی، کره جنوبی، آمریکای لاتین و خلیج فارس افزوده می‌گردد.

بروکسل - واشنگتن: بگزارش مقر «جامعه اقتصادی اروپا»، قیمت‌ها در نه کشور عضو «جامعه» به نسبت سال پیش ۱۳ درصد افزایش یافت.

بموجب آمار رسمی، ۱۳ میلیون نفر آمریکایی بیکار و یا نیمه بیکارند.

ایالات متحده آمریکا - آفریقای جنوبی: تشنجات نژادی سراسر ایالات متحده را فرا گرفته است. در این کشور، آمریکایی‌های غیر سفیدپوست اغلب شهروندان درجه دوم و سوم بشمار می‌روند. بنابه آماری، در آفریقای جنوبی تاکنون ۵۰۰ هزار نفر بدون هیچگونه مجوز قانونی دستگیر شده‌اند. در این کشور هر ساله ۱۵۰ نفر بجرایم سیاسی اعدام می‌شوند.

«جهان سوم»: بموجب برآوردی، در جهان امروز، بویژه در کشورهای عقب‌افتاده، ۵۰۰ میلیون نفر از گرسنگی رنج می‌برند و هر ساله ۵۰ میلیون تن از گرسنگی می‌میرند. هنوز ۹۰۰ میلیون نفر در دنیا بی‌سوادند.

السالوادور: باندهای راست‌گرای افراطی شش‌رهبر «جبهه انقلابی-دمکراتیک» را به‌هلاکت می‌رسانند. چند روز بعد، همین‌جانبداران به کلیسایی، که جنازه شش مبارز نامبرده در آن گذاشته شده است، حمله می‌کنند و علاوه بر تکه‌تکه کردن جنازه‌ها، هزاران نفر را مغرور می‌سازند. جمهوری فدرال آلمان: کشتن

اولریش هنجل در رلینگن (شلسویگ-هولشتاین) بخاطر همکاری خود در «گروه مسیحیان برای خلع سلاح» از ادامه شغل خود منع می‌شود.

شش خبر، که تنها مثنی از خروار است. اما در پس همین شش خبر، موارد بنیادی نقض حقوق بشر نهفته است، که از برخی از آنها نام می‌بریم:

● **امپریالیست‌ها** با سیاست تنش‌فزایی و مسابقه تسلیحاتی خود هستی بشریت را به بازی می‌گیرند و از اینراه بدیهی‌ترین حق انسانها، یعنی حق زیست در صلح را نقض می‌کنند.

● **«هدیه» سرمایه‌انحصاری:** بیکاری و دیگر نابسامانی‌های اقتصادی به زحمتکشان کشورهای صنعتی سرمایه‌داری، حداقل در ۲۴ میلیون مورد ناقض حق کار و امنیت اجتماعی است.

● **سرمایه‌داری و ارتجاع** گستاخانه از برابری نژادی سخن می‌گویند، ولی بربرمنشانه‌ترین تبعیضات نژادی را مرتکب می‌شوند.

● سرمایه‌داری فقر، گرسنگی و بیسوادی را برای نزدیک به یک‌چهارم خلقهای کشورهای مستعمره به‌ارث گذاشته و برای کشورهای وابسته به ارمغان آورده است. بدین‌ترتیب، سرمایه‌داری گروه عظیمی از بشریت را از برابری اجتماعی-اقتصادی محروم ساخته است.

● **امپریالیسم** با پشتیبانی از رژیم‌های نظامی - فاشیستی کشورهای آمریکای لاتین (و نه تنها در این منطقه از جهان)، بنیادی‌ترین حقوق دمکراتیک مردم این کشورها را نقض می‌کند. تنها در السالوادور، تاکنون حداقل ۱۲۰۰۰ نفر قربانی رژیم دست‌نشانده ایالات متحده شده‌اند.

● حتی در باصلاح «دمکراسی‌های پارلمانی»، یعنی دمکراسی‌های بورژوازی، بسیاری از مردم، بملل‌عقیدتی از حق اشتغال محروم می‌گردند. تنها در جمهوری فدرال آلمان، بیش از ۴۰۰ نفر شامل قانون «منع شغل» هستند.

اینست عیار واقعی «حقوق بشر» در نظام سرمایه‌داری - چه با «جیمی کارتر» و چه پس از او!

توطئه آمریکا برای...

بقیه از صفحه ۱
اینان، مانند همیشه، درصدد «تقسیم بی‌آبرویی» پرآمدند. قلم چک‌اندرسن، مفسر آمریکایی، که با سازمان «سیا» در ارتباط «پس پرده» و ولی بقدر کافی اشتهاء شده است، بکار افتاد و مقاله‌اش برای «تقسیم بی‌آبرویی» در روزنامه «واشنگتن پست» انتشار یافت. چک‌اندرسن در این‌مقاله «سیا فرموده» نوشت که گویا اتحاد شوروی و آمریکا، در جریان تماسهای محرمانه‌ای، مسئله امکان تجزیه خاک ایران به مناطق نفوذ شوروی و آمریکا را مورد بحث قرار داده‌اند!

رادپوی مسکو این خبر جعلی را «یادوهای پست و پلید اندرسن» نامید که «فقط میتواند جزء سیاست شانناژ و اعمال فشار ناهنجار واشنگتن در مورد ایران تلقی شود».

و تاس - خبرگزاری رسمی شوروی، دروغ‌بانی چک‌اندرسون را «یک توطئه و اتهام کثیف» توصیف کرد و آنرا رسماً تکذیب نمود. تاس ضمناً موکداً تصریح کرد که: «اتحاد شوروی امکان تقسیم ایران را بطور کامل مقایر موضع خود میدانند».

رادپوی مسکو توضیح داد که: «اتحاد شوروی، که برایش آنچه در منطقه بسیار نزدیک به مرزهایش روی میدهد، بهیچوجه بی‌تفاوت نیست، بر آنستکه، حق حاکمیت و تمامیت ارضی ایران نیز مانند دیگر کشور-های این منطقه باید رعایت شود».

«تقسیم بی‌آبرویی» بین «دو ابرقدرت» تلاش امروزی دستگاه تبلیغاتی امپریالیسم جهانخواار آمریکا

امام خمینی...

بقیه از صفحه ۱
امام خمینی، آنگاه خاطر نشان ساختند:
«مورد تاسف‌ناست این‌معنی که قشرهای میلیونی ملت در تمام دهات و قصبات و شهرها و بازار-ها برای این‌چنگ نگران‌هستند -

نیست. پس از رسوائی کامل تقسیم جهان به «جهان آزاد» و «جهان پشت پرده آهنین»، یعنی پس از آنکه خلق-های جهان فهمیدند که «جهان آزاد»، جهان اسیر در چنگ امپریالیسم ستگر، چپاولگر و خونخوار است، و در «پشت پرده آهنین» جهانی رها از سرمایه‌داری ستگر و غارتگر و اسارتگر وجود دارد، تبلیغات امپریالیستی درصدد برآمدن سرمایه‌داری را چیزی شبیه به سرمایه‌داری امپریالیستی و اتحاد شوروی را چیزی شبیه به آمریکا معرفی کند، تا به وسیله این «تقسیم بی‌آبرویی»، از یکسو سرمایه‌داری و اتحاد شوروی را بدنام کند و از سوی دیگر از شدت مبارزه خلقها علیه امپریالیسم آمریکا بکاهد. بدین منظور اصطلاح «دو ابرقدرت»، که گویا هر دو امپریالیسم‌اند و هر دو تجاوزگر و اسارتگر و استعمارگرند و لذا فرقی باهم ندارند، به وسعت از طرف دستگاه عظیم تبلیغاتی امپریالیستی رایج شد. (و مائوئیسم نیز از آن «الهام» گرفت و بر مبنای آن «تئوری سه جهان» را ساخت).

ولی همانطور که واقعیات سرسخت نقاب «جهان آزاد» را از چهره کریم‌جهان اسارتگر امپریالیسم بر گرفت، واقعیات سرسخت، شکرده تبلیغاتی «تقسیم بی‌آبرویی» را نیز بر یاد خواهد داد و از جمله در کشور ما نشان خواهد داد - نشان داه است - که یگانه دشمن استقلال ما، تمامیت ارضی ما، انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، امپریالیسم بسرگردگی آمریکای جنایتکار، خدعه‌گر، تجاوزگر و اسارتگر است.

پشتیبان این جنگ و این جنگ‌زده‌ها و این ارتش و این پاسدارها هستند لاکن یک‌عده‌ای در مقابل این توده‌های عظیم در هر جای از مملکت هستند و در بازار هم هستند، که در مقابل اسلام خودشان را قرار داده‌اند. در مقابل کشور اسلامی خودشان را قرار داده‌اند. آقایان بازاری کوشی کنند: در این که می‌ادا

از اینکه بگذریم، با اینکه توطئه آمریکائی تجزیه ایران امضا شده، ولی این امر بهیچوجه بدین معنا نیست که امپریالیسم آمریکا از این توطئه و نظائر آن دست برداشته و یا دست برخواهد داشت. امپریالیسم آمریکا می‌خواهد انقلاب ایران را سرنگون کند و جمهوری اسلامی ایران را براندازد. امپریالیسم آمریکا بری نیل به این هدف شوم از هیچ توطئه‌ای، از هیچ خیانتی، از هیچ جنایتی، فروگذار نمی‌کند. امپریالیسم آمریکا - چنانکه در برابر چشم خود می‌بینیم - همزمان توطئه‌های گوناگونی را در انبان دارد: از تجاوز نظامی (طیس) تا کودتای نظامی (نوز)، از خرابکاری و اخلال و اغتشاش و تشنج و درگیری و ترور (که در تمام دو سال گذشته، انواع و اشکال مختلف آنرا شاهد بوده‌ایم و هستیم) تا تجاوز غیرمستقیم نظامی (توسط امثال صدام)، از نقشه‌تجزیه ایران (مانند طرح لوتیز، که مورد بحث محافل حاکمه آمریکاست) تا تجاوز مستقیم نظامی آمریکا به ایران (که تدارک آن دارد صورت می‌گیرد). چنین است که در برابر توطئه‌های امپریالیسم آمریکا از هر نوع و از هر شکل، باید هشیار بود، باید آماده بود، باید متحد بود. و با این‌هشیاری و آمادگی و اتحاد باید انقلاب و جمهوری اپلامی ایران را به امپریالیسم آمریکا تحمیل کرد، نه به این معنی که امپریالیسم آمریکا انقلاب و جمهوری اسلامی را خواهد پذیرفت، بلکه به این معنی که به امپریالیسم آمریکا قه‌ماند که قدرت سرکوب انقلاب و براندازی جمهوری اسلامی ایران را ندارد.

اینها بازار را متهم کنند. مبادا اینها بازار را بدنام کنند. امام خمینی در بخش دیگری از سخنان خود به آن گروه کوچکی که منافع خود را از دست داده‌اند اشاره کردند و گفتند: «توجه داشته باشید که یک گروه کوچکی که منافعشان از دست یا رفته و یا خوف این

بر خورد منطقی...

بقیه از صفحه ۱
اظهارات نخست‌وزیر جمهوری اسلامی ایران در مورد «تلاش» برای «برخورد منطقی» با «گروهها و احزاب سیاسی» و «بسیج و تن حالت تعادل در جامعه»، برای حفظ و تحکیم اتحاد نیرو-های انقلاب و تسامین بهترین شرایط برای حفظ و تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب، اهمیت بسیار دارد.

در واقع طی دو سال گذشته چنین تلاشی بسیار ناچیز بود و در بسیاری موارد برخورد دولت جمهوری اسلامی ایران با احزاب و گروههای سیاسی، عناصر غیرمنطقی بسیار در خود داشت، که زیانهای معینی نیز بواسطه آن پدید آمد و ضربات جدی به «حالت تعادل» در جامعه وارد شد.

«برخورد منطقی» به احزاب و گروههای سیاسی، بیشک باید براساس یک تحلیل واقع‌بینانه از ماهیت و موضعگیری این نیروها استوار گردد. باید به گونه‌ای صحیح و تنها براساس مصالح انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و نه مصالح گروهی، احزاب و گروههای سیاسی مدافع انقلاب را از گروههایی که خلد مشی آنها با انقلاب تعارض بنیادی دارد، جدا ساخت، اشتباهکار را از منحرف و دشمن تشخیص داد و موضعگیری خود را نسبت به آنها بر این اساس بنیان نهاد. برخوردهای منطقی می‌تواند نیروهای پسا حسن‌نیت، ولی

اشتباهکار را به مواضع صحیح رهنمون گردد و برخوردهای غیر-منطقی - که نظائر آنها در گذشته بسیار بوده است - نیروهای را که بالقوه می‌توانستند در خط انقلاب قرار گیرند و بسودانقلاب عمل کنند، به‌مقابله با انقلاب و جمهوری اسلامی ایران «هل» داده و عملاً بسود ضدانقلاب تمام شده است.

برخورد منطقی دولت جمهوری اسلامی ایران با احزاب و گروههای متعارض با بنیان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، آنها را بسرعت در پیشگاه مردم افشا می‌کند، امکان تحریکات و سوء استفاده را از آنها سلب می‌نماید، به افراد آنها منجر شده و میشود و به سلامت جامعه یاری می‌رساند.

انقلاب ایران به مساعی سازنده کلیه نیروهای وفادار به آن و علاقمند به حفظ و تحکیم گسترش دستاوردهای آن، نیاز مبرم و جدی دارد. برخورد منطقی با این نیروها بیشک از سوءتفاهات میان نیروهای خلق می‌کاهد، آنها را تحکیم میکند و کلیه امکانات را برای خشن ساختن توطئه‌های دشمن و تلاش‌های خرابکارانه ضدانقلابیون، و نیز ساختن جامعه نو، بکار می‌گیرد. بیشک ما در گذشته، از فقدان برخورد منطقی با احزاب و گروههای سیاسی، رنجهای فراوان برده و زیانهای جدی متحمل شده‌ایم. اظهارات نخست‌وزیر دولت جمهوری اسلامی ایران، امید پایان یافتن این دوران تجربه‌های تلخ و آغاز دوران سازنده‌ای را نوید میدهد.

درباره تناسب نیروها در عرصه جهانی

با حفظ برابری نظامی و استراتژیکی کشورهای سوسیالیستی و کشورهای امپریالیستی، تناسب کلی نیروها در عرصه جهانی بمنفع مصالح صلح و سوسیالیسم تغییر یافته و همچنان تغییر می یابد.

تغییر تناسب قوا بسود نیروهای صلح و سوسیالیسم تضمینی است برای آنکه هیچ تلاشی نتواند جنبش خلقها را بباطل آزادی ملی، استقلال و ترقیات اجتماعی متوقف سازد.

های اقتصادی، دانش و فن و فرهنگ، که در آغاز سالهای ۷۰ مکانیسم آن به حرکت درآمده بود، توسعه یافت. توسعه این همکاریها بدان معنی بود که روند سیاسی تشنجزدائی بر روابط اقتصادی و همکاریها در زمینه دانش و فن و فرهنگ تاثیر می گذارد و با این همکاریها استحکام می یابد.

یابند، در عرصه بین المللی جو و شرایط کاملا نوینی پدید آمد. ماهیت این برابری نیروها چه مفهومی دارد؟ در نتیجه ایمن برابری، امپریالیسم هرگونه امیدی را از دست داد که بتواند به کمک جنگ، برنده نبرد طبقاتی در صحنه بین المللی شود. محاسبات امپریالیسم که تصور میکرد با ایجاد جنگ اتمی میتواند حریف را نابود کند و به حیات خود ادامه دهد، غلط از آب درآمد. استفاده از نیرو و بویژه سلاح اتمی، به عنوان عامل فشار سیاسی بر اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، به یک امر فوق العاده خطرناک برای امپریالیسم تبدیل شد. و سرانجام خصلت عینی مسابقه تسلیحاتی کنونی و منطق آن عبارت از آن است که، امکان نمی دهد که یک طرف بر طرف دیگر برتری نظامی به دست آورد، زیرا کوشش برای دستیابی به چنین برتری، ناگزیر موجب واکنش متقابل می شود، و این بدان معناست که، در نتیجه نهایی، دوباره برابری نظامی و استراتژیکی

بین المللی است. در شرایط بغرنج و پیچیده اوضاع بین المللی در آخرین دهه های سده معاصر، یادآوری و بررسی این مطلب که، نیروهای سیاسی و اجتماعی و تناسب آنان عبارت از چیست و تحول و تغییر آینده این تناسب در چه جهتی است، می تواند روشنگر بسیاری از مسائل باشد. پایه اساسی تناسب نیروها را، تناسب میان نیروی سوسیالیسم و سرمایه داری تشکیل می دهد. با وجود عوامل گوناگونی که عناصر متشکله این تناسب نیروها، هستند، میتوان این عوامل را در دو عنصر - مدها یا خصلت های متفاوت تلخیص کرد: ۱) تناسب امکانات نظامی و استراتژیکی دو نظام اجتماعی متضاد، ۲) تناسب امکانات اجتماعی و سیاسی این دو نظام. در مورد اول یادآور می شویم که، در پلنوم ژوئیه سال ۱۹۸۰ کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در این باره گفته شد:

ما در جهان متحولی زندگی می کنیم. البته منظور تنها آن نیست که در این جهان نیروهای مولده با سالی برف آسا و غیرقابل تصور رشد می یابند و دانش و فن در برابر دیدگان ما منظره خود سیاره ما را هم دگرگون می سازند. مطلب بر سر آن است که در دوران زندگی حتی یک نسل، جبهه اجتماعی و سیاسی جهان تغییر می یابد. این تحولات اجتماعی و سیاسی موجب پیدایش تصادمات گوناگونی نه با طبیعت، و با چنان که امروز آنرا می نامند "محیط زیست"، بلکه در میان طبقات، دولت ها و خلقها می شود. در بین این تصادمات سیاسی و اجتماعی، حادث ترین آنها تصادم و روبرویی نیروهای هوادار صلح و نیروهای جنگ طلب، و به طور مشخص، تصادم میان گرایش هایی است که ممکن است به درگیری هسته ای فاجعه آمیز منجر گردد و آن عواملی که در راه جلوگیری از چنین فاجعه ای اقدام می کنند. آرمان و امید میلیونها میلیون انسان در دو مقطع بازتاب می یابد: تامین حق زیست در شرایط صلح و امنیت و برخورداری از زندگی آزاد عادلانه با حقوق دموکراتیک. این آرمان و امید خلقها با تلاش و کوشش آنان برای تامین شرایط لازم جهت ترقیات اجتماعی، که می تواند با اشکال و مفاهیم متنوع تجلی گردد، پیوند ناگسستنی دارد. به طور کلی این آرمان و امید در تمایل و مساعی روزافزون خلقها به سوسیالیسم، دموکراسی، آزادی ملی، آزادی های سیاسی و اقتصادی و طرد همه آن نیروهایی که به حساب بهره کشی انسان از انسان زندگی می کنند و تلاش خود را در راه میلیتاریسم، فاشیسم و، در حساب آخر، برافروختن آتش جنگ به کار می برند، تلخیص می شود.

راه رشد و تکامل اجتماعی، کار درونی خود خلقهاست، و این راه با خواستها و تمایلات خلق و شرایط سیاسی و اجتماعی و آرایش طبقاتی هر جامعه ای تعیین میشود.

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در این مورد، خاطرنشان شده است: "علت یک چنین تغییری عبارت از آن است که، ایالات متحده آمریکا و دستیاران آن، و قبل از همه رهبری چین، تلاش کرده اند که با مسابقه تسلیحاتی روند تشنجزدائی را عقیم گذارند و این عمل در نوع خود واکنشی است که از جانب مخالفان صلح نسبت به این واقعیت تاریخی نشان داده می شود که، با حفظ برابری نظامی و استراتژیکی، تناسب کلی نیروها در عرصه جهانی بمنفع مصالح صلح و سوسیالیسم تغییر یافته و همچنان تغییر می یابد."

اتحاد شوروی برای دستیابی به برتری نظامی کوشش نمی کند. جهان سوسیالیسم عمیقا معتقد است که راهی را که برگزیده است، پاسخگوی منافع حیاتی خلق است و به همین علت جهان سوسیالیسم به طرح برنامه های

در نتیجه برابری نیروهای نظامی و استراتژیکی کشورهای سوسیالیستی و کشورهای امپریالیستی، امپریالیسم هرگونه امیدی را از دست داده است که بتواند بکمک جنگ، برنده نبرد طبقاتی در صحنه بین المللی شود.

برقرار خواهد شد. بدین ترتیب، بدیهی است که کوشش برای دست یابی به برتری در این زمینه، نه تنها بی آینده، بلکه همچنین کوشش عبثی است. اوضاعی که به آن اشاره شد، در

"تشنجزدائی نتیجه قانونمند آن تناسب نیرویی است که طی دو دهه اخیر در صحنه جهانی بوجود آمده است. تعادل نظامی و استراتژیکی که میان سیستم جهانی سوسیالیسم و جهان سرمایه داری بوجود آمده، یک پیروزی با اهمیت اصولی و تاریخی محسوب می شود. این پیروزی به عامل بازدارنده تلاشهای تجاوزگرانه امپریالیسم تبدیل گشته، که پاسخگوی منافع حیاتی همه خلقهاست، و هر محاسبه ای که هدفش تغییر در این تناسب نیروها باشد، محکوم به شکست است." لازم به یادآوری است که در تمام دوران پس از جنگ دوم جهانی، همواره امپریالیسم مبتکر مسابقه تسلیحاتی و شتاب بخشیدن

این گرایش که از پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر در روسیه ساق می گیرد، با مقاومت فعال و هور نیرومند آن طبقات و محافل اجتماعی مصادف می شود که تلاش دارند روند تحولات پیشرونده جهان را متوقف و یا حداقل کند سازند. این مقاومت در تلاشهای متنوع و اغلب مزرانه، با هدف تضعیف و ایجاد تفرقه در میان جنبش های دموکراتیک و رهایی بخش خلقها، تجلی می یابد، تا خلقها نتوانند حق تعیین سرنوشت خود را به دست آورند و نظام سیاسی و اجتماعی مورد دلخواه خود را، که

جهان سوسیالیسم و جنبش کارگری حق دارند و موظفند از تمایل و مساعی خلقها برای نوسازی زندگی بشیوه دلخواه خود، پشتیبانی کنند.

مجموع عامل هشداردهنده ای بود برای بسیاری از شخصیت های سیاسی جهان سرمایه داری. پیروزی از خط مشی تشنجزدائی، به منابها یگانه گزینش معقول در برابر "جنگ سرد" و به طریق اولی جنگ واقعی، به عامل مهمی تبدیل گردید که بر سیاست عملی تعدادی از دول کشورهای سرمایه داری، و در نوبت اول در اروپای غربی، تاثیر چشمگیری داشت. بسیاری از این کشورها برای ثمرات تشنجزدائی ارزش قائلند و به همین علت تا حدودی سعی در حفظ و تعمیق آن دارند.

به این مسابقه بوده است. ایمن واقعیتی است که حتی سیاستمداران جدی و تمام ناظران سیاسی غرب هم به آن معترفند. در عین حال هیچگاه اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی متفق آن، در این راه

پیشگام و یا مبتکر نبوده اند. تنها زمین، که ناگزیر به آن بوده اند، برقرار کردن تناسب و برابری نیروها در زمینه نظامی و استراتژیکی است، و زمانی که کشورهای سوسیالیستی، در پرتو مساعی فراوان و به بهای به کار بردن نیرو و اعتبارات عظیم، سرانجام موفق شدند که به این برابری نیروها دست

برای تغییر تناسب قوا بسود نیروهای صلح و سوسیالیسم، روند تشنجزدائی به پیش خواهد رفت و صلح را میتوان حفظ و پایدار کرد.

با سخنگوی حقوق دموکراتیک و آزادی های اجتماعی و رشد مستقلانه اقتصادی آنان باشد، برقرار سازند. بدیهی است که اثرات این روندها در عرصه جهانی و سیاست دول بازتاب می یابد. عامل عمده ای که سمت و خصلت تحولات جهانی معاصر را تعیین می کند، همانا تناسب نیروهای اجتماعی و سیاسی در عرصه

انگیزه چنین واکنشی در چیست؟ انگیزه آن این است که، حفظ برابری تنها در زمینه نظامی و استراتژیکی محدود نمی شود. مسئله در این جا عنصر اجتماعی، یعنی جنبش توده های خلق، سطح آگاهی اجتماعی و قاطعیت و آمادگی و امکانات آنها برای ایفای نقش خود در حل سرنوشت خویش، سرنوشت جامعه بشری و سرنوشت نسل های آینده است. از این نقطه نظر، برتری نیروهایی که در مواضع سوسیالیسم، مواضع مخالفت با جنگ و امپریالیسم، مواضع دموکراسی و ترقیات اجتماعی قرار دارند، نه تنها حفظ می شود، بلکه روبه فروی است. مسلم است که در این زمینه، یعنی زمینه اجتماعی تناسب نیروها، برابری وجود ندارد و نمی تواند وجود داشته باشد. ساده لوحی است اگر تصور شود که روحیات، تمایلات و کوشش های توده های خلق را میتوان در یک سرحد معین متوقف ساخت و برابری در این زمینه را حفظ کرد. لنین در این مورد سخنان جاودانه ای دارد که می گوید: "انقلاب سفارشی یا با موافقتنامه انجام نمی گیرد." و این سخن امروز هم همچنان به قوت خود باقیست. اتحاد شوروی همواره بر این عقیده بوده است که گزینش راه رشد و تکامل اجتماعی، کار درونی خود خلقها است. و این راه با خواست ها و تمایلات خلق و شرایط سیاسی و اجتماعی تعیین می شود. آرایش و تناسب نیروهای طبقاتی در عرصه بین المللی در شرایط حاد موجود نیز - همچنان که در پلنوم ژوئن سال ۱۹۸۰ کمیته مرکزی حزب

سلطه جویی نمی پردازد و آرزوی سلطه بر جهان را در سر ندارد. به این لحاظ است که اتحاد شوروی، در ارزیابی مسئله تناسب نیروهای سیاسی و نظامی، قبل از هر چیز به مطالبات زیرین توجه داشته و دارد: ۱- لزوم پایان بخشیدن به مسابقه ماجراجویانه در زمینه تسلیحات و قدرت نظامی، ۲- کوشش برای کاهش تسلیحات و نیروهای نظامی، بازعایت اکید برابری و امنیت متقابل. این اصولی است که اتحاد شوروی به طور بی گیر از آن پیروی می کند و با هیچ گونه نوسانات موضعی تغییر نخواهد کرد. ایالات متحده آمریکا و متفقین آن، طبق آنچه عمل می کنند، نه آن چه می گویند، نیات دیگری در این مورد دارند. این یک واقعیت است که خطر جنگ و خطر یک درگیری مسلحانه اتمی به مقیاس جهانی، که در اواسط سالهای هفتاد کاهش یافته بود، اکنون شدت گرفته است. مسابقه تسلیحاتی در آخرین سال های هفتاد علاوه بر جنبه نظامی، جنبه سیاسی هم کسب کرد، و اکنون تقریبا به عمده ترین ابزار استراتژی سیاست خارجی امپریالیسم به ویژه امپریالیسم آمریکا تبدیل شده است. جنبش جدید در مسابقه تسلیحاتی، زندگی بین المللی را دست خوش تحولات جدی و خطرناکی کرده است. محافل معینی در غرب و پیمان نظامی ناتو تلاش دارند که به وسیله افزایش بی بندوبار تسلیحات و نیروهای مسلح، خصلت روند حوادث در عرصه جهانی را دگرگون سازند. در نتیجه ایس

در نتیجه، خط مشی که از جانب کنگره های ۲۴ و ۲۵ حزب کمونیست اتحاد شوروی اعلام گردید، ثمرات خود را به بار آورد، چرخش از سیاست "جنگ سرد" و روبرویی به سوی حل مسائل بغرنج بین المللی از راه مذاکرات و توسعه همکاری، طبق اصول همزیستی مسالمت آمیز، پدید آمد. علاوه بر این، همکاری های مسالمت آمیز بین المللی در زمینه

کارگران نهبانند برای مقابله با رژیم جنایتکار صدام

کارگران نهبانند همچون دیگر کارگران میهنمان برای دفاع از انقلاب و حفظ دستاوردهای آن آماده جانبازی هستند

به تولید بیشتر میپردازند



ما سدیگا نداریم. به این دلیل محرومیتها به قوت خود باقی هستند.

ده نورا داریم. با اینحال شورای ده تاکنون کاری برای ما انجام نداده، چون اعضا شوراهای برای اینکار ندارند یعنی آنها هم مثل ما کار نمیکنند. چراغعلی در مسعود انتظارش از دولت میگوید: "از دولت می خواهیم که به وضع ما رسیدگی کند ما هم امیدواریم که انقلاب به پیروزی نهایی برسد ما حاضریم کرسی بکشیم، تا از دست آمریکا خلاص شویم".

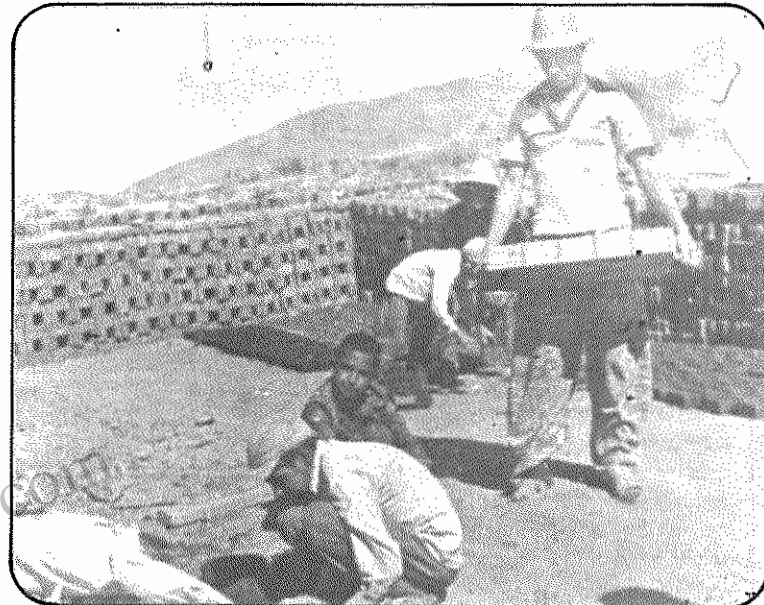
علی اسدی میگوید: "اگر دولت خودش این کورهها را زیر نظر بگیرد، بهتر است و ما بهتر می توانیم به حقمان برسیم". یکی از کارگران درباره جنگ تحمیلی عراق به ایران میگوید: "این جنگ را بماند تحمیل کرده اند دولت صدام هم از آمریکا دستوری گیرد".

امیدوارم ایران در این جنگ پیروز شود. اگر لازم باشد و امام خمینی دستور بدهد، حاضریم زن و فرزندمان را ترک کنیم و به جبهه برویم هرگز نخواهیم گذاشت یک وجب خاک ایران به دست بیگانه بیفتد". مصطفی کارگر خاکی میگوید: "۱۸ سال دارم، از ۷ صبح تا ۸ شب در این کارگاه کار می کنم خدا کفر حقوق من روزی ۶۰ تومان است اینجا تا بستان بسیار گرم است و زمستان هم فقط یک بخاری داریم، گداخته تمام کارگاه را گرم نمی کند جمعهها کار نمیکنیم و حقوقی هم نمیگیریم حق اولاد و سود و بیمه هم بماند می دهند بیمه هم نیستیم. ما سدیگان نداریم بنا بر این نمی توانیم مشکلات ورنجهای خود را بگوئیم".

کارگر دیگری میگوید: "اگر بیمه بودیم، لااقل آینده مان کمی بهتر بود". بابا علی، کارگر کارگاه بشم ریس، بدگفتگوی نشینیم. دستمالی را، که برای جلوگیری از ورود گرد و غبار به دهان بسته، با زرمی کندواز وضع کارش چنین میگوید: "هما نظور که می بینید، اینجا پرازد و غبار است. حتی نور لامپ هم به سختی دیده میشود ما مجبوریم این

باروزی ۵ تا ۱۰۰ تومان دستمزد، کارکنند. با اینحال آنها از کمترین امکانات رفاهی، ایمنی و بهداشتی محروم هستند. آنهاش ماه از سال را کار می کنند و در این مدت باید محارج یکسال زندگی را بدست آورند.

چراغعلی، یکی از کارگران کوره بزمخاها میگوید: "کار در اینجا، در کنار این کورهها، بسیار سخت است، فرقی با جهنم ندارد. از صبح زود تا غروب زیر آفتاب



ما حاضریم کرسی بکشیم ما از دست آمریکا خلاص شویم.

سوزان خرمی کنیم. بعضی از کارگران بهنگام بیرون آوردن آجر از کوره کوره بدنشان می سوزد کار طاقت فرسای است، مخصوصا برای بچهها. مجبوریم با این شرایط کار کنیم و مخارج خانواده مان را در آوریم". علی اسدی یکی دیگر از کارگران، میگوید: "ما در اینجا از هیچگونه وسایل رفاهی برخوردار نیستیم، حتی موقع زخمی شدن برای رسیدن به دکنتر یا بیمارستان، هیچ گونه وسیله ای نداریم. و جاده هم خیلی خراب است. اغلب بچهها زیر این آفتاب و در این گرما خون دماغ می شوند. بعلاوه، گرد و غبار آهک هم آنها را خیلی اذیت می کند". در مورد سدیگان میگوید: "سدیگان نداریم، ولی در

آنها در شرایطی که لازم بود، به مقابله با توطئه های امبرالیسم و صدام انقلاب برورده اش برخاستند. کارگران نهبانند سیر همچون کارگران سایر مناطق کشور علیه رژیم خائن پهلوی مبارزه کردند و در شرایط کونی نیز حاضر شدند برای حفظ انقلاب، تا حد ایثار زندگی، مبارزه کنند.

با گروهی از کارگران نهبانند به گفتگو نشستیم، با آنها مشکلات و کمبودها و همچنین اقداماتشان برای دفاع از میهن انقلابی مطلع شویم. ابتدایاتی حسد از کارگران کوره بزمخاها گفتگو نیستیم. این کارگران از محرومترین زحمتکشان ایران هستند که مجبورند در شرایط سخت و طاقت فرسای کوره ها،

اما ما با کار بیشتر خود به آمریکا فریب می زنیم. کارگران و زحمتکشان ایران بعنوان استوارترین پاسداران دستاوردهای انقلاب از بدو تجاوز نظامی آمریکایی رژیم صدام، هم چون روزهای بعد از انقلاب، در خط مقدم جبهه و با تلاش بیگانه زنده خود در کارخانهها و کارگاهها و مراکز تولیدی، در مسعود اول ارتش انقلاب، به پاسداری از دستاوردهای انقلاب سگرها را حفظ کرده اند.

کارگران با برخورداری از آگاهی طبقاتی همچنان در مواضع دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران باقی هستند و در شرایطی که تحت شدیدترین فشارهای کار و زندگی بوده هستند، پیش از آنکه بفکر خود باشند، به فکر جبهه هستند و همه چیز را برای جبهه می خواهند. مسلمانان انقلاب بزرگ صدام میریالیستی و خلقی ایران نیز این ستون های استوار خود را از یاد نخواهد برد. با این امید که شرایط نیکبختی با گذشته با همسایه محرومیت های خفناکی که برای زحمتکشان به همراه داشت، یکسره از همه شئون زندگی میهن ما رخت بر بندد و نظام نوین، در پاسداری از حقوق زحمتکشان، بتواند ویژگی بر و بیروزمند به پیش تازد!

دستمالها را جلو دهانمان ببندیم. این گرد و غبار سینه هایمان را خراب کرده و چشمهایمان رو به کوری می رود. در مورد وضع خانوادگی اش میگوید: "۴ پسر و ۲ دختر دارم روزی هشت تا نه ساعت کار میکنم و ۷۰ تومان دستمزد روزانه. با این مخارج سنگین - کفاف زندگی را نمیدهد. جمعهها تا ظهر کار نمیکنم. البته کار ما دائمی نیست، یعنی تابستانها که پشم زیاد است، ما هم همیشه کاری کنیم، ولی حالا کار کمتر است و زمستان هم که پشم نیست، مجبوریم کار نکنیم".

در این کارگاه هم از بیمه و حق اولاد و مسکن خبری نیست. با باغی میگوید: "ما اینجا وسیله ایمنی نداریم. این ماشینهای پشم ریس خطرناک زیادی دارند، یکبار انگشتم لای چرخ رفت و هما نخور که می بینید، آنرا فلج کرده است".

در مورد تحریم اقتصادی آمریکا میگوید: "اگر وسایل داشته باشیم، خود می توانم مشابه این دستگاه را بسازم. همیشه وقتی خراب می شود، خودم آنرا تعمیر می کنم. منتها وسایل بدنی را سرمایه دارها در اختیار ما قرار داده اند و کار ما سنگ می شود.

به وضع کارخانه شیر پاستوریزه کرمان رسیدگی کنید!

هم اکنون تقریبا هر هفته یک کامیون شیرو یا ماست از کارخانه های شیر پاستوریزه از شهرهای اصفهان، تهران و حتی ارومیه و مشهد، به کرمان می آید، که با وجود نیاز معادن و برخی موسسات صنعتی، نظیر کارخانه سیمان و غیره، به مصرف روزانه شیر برای کارگران، این مقدار شیر تکافی مصرف استان را نمیکنند. لذا هیچگاه در مغازه های شهر کرمان و به تبع آن در دیگر شهرهای استان، شیر پاستوریزه برای مصرف مردم یافت نمی شود.

رها کردن امکانات تولیدی موجود در شرایط کنونی به هیچ وجه قابل توجه نیست. راه اندازی واحدهای ناتمام ضمن ایجاد اشتغال و کاهش "بیکاری"، گامی است لازم و واجب که کمترین سود آن رفع نیازهای مردم جامعه است. ضرورت برت مهربانی ضربتی برای راه اندازی واحدها بمعنای آن است که دولت انقلابی شایستگی خود را در آوردن نیازهای مردم نشان می دهد. و این کار، با توجه به امکاناتی که خواست زحمتکشان و حمایت آنان از مسئولین بوجود آورده، و نیز آمادگی کشورهای هوادار انقلاب ایران در تحویل وسائل لازم، از جهت عملی است.

کارخانه شیر پاستوریزه کرمان بیش از دو سال است که در کنار شهر خاک میخورد و هیچگونه تولیدی ندارد. کار نصب و راه اندازی این کارخانه بعهده یک شرکت سوئدی بنام "آلفا لاوال" بوده و علیرغم آنکه شرکت مزبور هنگام کار، بهای منعقد در قرارداد را به تمامی دریافت داشته است، لیکن در بحبوحه مبارزات مردم ایران برای سرنگونی رژیم شاه ملعون، کار خود را، که نزدیک به اتمام بود، تعطیل کرده و به کشورش گریخته است. این کارخانه تا رسیدن به مرحله "بازدهی و تولید چندان فاصله ای ندارد. کافی است تا برخی از دیگر دستگاه های آن نیز سوار شود و نیز بعضی لوازم یدکی مورد نیاز آن تامین گردد. شرکت آلفا لاوال دستگاههای کارخانه را از کشورهای سوئد و آمریکا تهیه میکرده است. چندی است که کارخانه شیر پاستوریزه تصمیم گرفته است تا به کمک متخصصین ایرانی از کارخانه های مشابه در شهرهای دیگر، کار تکمیل راه اندازی این کارخانه را به انجام رساند، ولی تاکنون هیچگونه اثری از فعالیت در این جهت چشم نمی خورد.

طبقه کارگر ایران، در افزایش تولید، ترمیم خسارات جنگ و دفاع در جبهه، پیش قدم است!

روستاهای سیستان و بلوچستان، در انتظار اجرای قانون اصلاحات ارضی بسود دهقانان تهیدست

مانده اند. در این روستا همچون اغلب نقاط زابل، آب سطحی است، یعنی با حفر ۳ تا ۵ متر میتوان به آب، که سنگینی و سوی زیادی دارد، رسید. ولی اغلب جاهایی از مسدود کوتاهی مصرف خشک میشود. بگانه راه رفع این مشکل، حفر جاهای عمیق در محلهایی است که بدقت مورد مطالعه و محاسبه قرار گرفته اند. یکی از علل سیمه کاره ماندن طرحهای برق و آبرسانی عدم مطالعه قبلی و دقیق جگونگی برخورد به مشکلات از سوی سودجویی سرمایه داران پیمانکار از سوی دیگر است همه اینها موجب دل سردی و عدم اطمینان مردم به وعده ها و کارهای مقامات مسئولان میشود، که سلما تنها بسود صدانقلاب در منطقه

روستای محمدآباد در ۲۵ کیلومتری زابل و در کنار حاده زاهدان - زابل قرار دارد، در این روستا در حدود ۱۵۰ خانوار زندگی میکنند. خانه های روستای محمدآباد کلا از خشت درست شده اند و تک درختهای نخل در آن دیده می شوند.

پس از باز شدن آب رود هیرمند، روستا امسال از نظر آب و وضع خوبی پیدا کرده و از خشکسالی سالهای گذشته بیرون آمده است. ولی بغلت آنکه اکثر مردان روستا ناگزیر به کارهای دیگری مشغول هستند. کشاورزی در سطح گسترده ای صورت نگرفته است.

در این ده از حمام حبری نیست و بچه ها در نهرهای آب شنا میکنند. در همین نهر ها گاوها و الاغ ها هم آب می خورند و زاه طرف و لبها می شویند و مرغ و مرغابی ها شنای میکنند و سرانجام برای آتاشیدن نیز از همین آب استفاده میشود. وضع بهداشت در روستای محمدآباد در پایینترین سطح است. در این روستا از بهداشتی اثری بچشم نمی خورد.

در روستای محمدآباد یک تعاونی وجود دارد که مغازه آن خالی از محتاج ضروری روستائیان است و جز شکلات و بیسکویت و شامیو و رب گوجه یک و بیگ، چیز دیگری در آن دیده نمی شود. اغلب طرحهای اجرائی عمرانی، از جمله کارخانه برق و طرح آبرسانی، نیمه کاره

استان سیستان و بلوچستان از جمله استانهایی از کشور - مان است که بواسطه خرابی و غارت رژیم پهلوی و زمین داران بزرگ حامی آن، به ویرانه های تبدیل شده است. این استان تنها تسهیلاتی مستگیران و غارتگران منعم درآمد های کلان است و دهقانان نهیدست از فقر و فلاکت سجدو حصر در رنج و عذاب سمری - سرد. قحاق یکی از وسایل و راههای مهم تامین زندگی مردم زحمتکش و نیر یکی از ابزارهای ایستاده شدن حب مالکان است. علت وجود قحاق را باید در تمرکز زمین در دست فئودالها و عدم رسیدگی به خواستهای مردم

مانده اند. در این روستا همچون اغلب نقاط زابل، آب سطحی است، یعنی با حفر ۳ تا ۵ متر میتوان به آب، که سنگینی و سوی زیادی دارد، رسید. ولی اغلب جاهایی از مسدود کوتاهی مصرف خشک میشود. بگانه راه رفع این مشکل، حفر جاهای عمیق در محلهایی است که بدقت مورد مطالعه و محاسبه قرار گرفته اند. یکی از علل سیمه کاره ماندن طرحهای برق و آبرسانی عدم مطالعه قبلی و دقیق جگونگی برخورد به مشکلات از سوی سودجویی سرمایه داران پیمانکار از سوی دیگر است همه اینها موجب دل سردی و عدم اطمینان مردم به وعده ها و کارهای مقامات مسئولان میشود، که سلما تنها بسود صدانقلاب در منطقه

روستای محمدآباد در ۲۵ کیلومتری زابل و در کنار حاده زاهدان - زابل قرار دارد، در این روستا در حدود ۱۵۰ خانوار زندگی میکنند. خانه های روستای محمدآباد کلا از خشت درست شده اند و تک درختهای نخل در آن دیده می شوند.

پس از باز شدن آب رود هیرمند، روستا امسال از نظر آب و وضع خوبی پیدا کرده و از خشکسالی سالهای گذشته بیرون آمده است. ولی بغلت آنکه اکثر مردان روستا ناگزیر به کارهای دیگری مشغول هستند. کشاورزی در سطح گسترده ای صورت نگرفته است.

نظریات کاک احمد، درویش فرج و سایر دهقانان کرد در نزدیکی های بوکان

ما برای این انقلاب سالها زحمت کشیده و خون نثارش کرده ایم. حساب ما را از حساب صدانقلاب جدا کنید. زمینداران بزرگ، ساواکیها، سرمایه داران و همه انبهای که خواستار بازگرداندن امریکاه تندر، به عراق کمک می کنند. با اقدامات مردمی، مانند اصلاحات ارضی، ما را از شر این فئودالها، که پایگاه اصلی صدانقلاب هستند، نجات دهید.

برای سرکوبی این رژیم صدحلقی به کار اندازیم. درویش فرج، عضو شورای ده، که یکی از افراد کم زمین است. سخا کاک احمد را حسین ادامه داد: "دیروز یک شبکه گازوییل بقیمت ۳۰۰۰ تومان خریدم و باید ساعتی ۳۰ تومان هم به صاحب تراکتور بدهم تا مقدار زمینی را که دارم، سخم بزند. ما امیدواریم که دولت در پاسخ محاصره اقتصادی کاری کند که ما بتوانیم مثل سایر زحمتکشان پاکت بیشتر به انقلاب خدمت بکنیم."

یکی دیگر از روستائیان در مورد جنگ تحمیلی عراق می گوید: "... جنگ عراق علیه انقلاب - ایران است و به دستور امریکا آغاز شد و هدف از آن به شکست کشاندن انقلاب ایران و روی کار آوردن نوکری چون بختیار خائن است. ولی امریکا و نوکرائش باید بدانند که ما بمباران شهرها و روستاهای کردنشین عراق و کسار و سرکوب زحمتکشان عراق را به وسیله آنها از یاد نبرده ایم و تا آخرین قطره خون از میهنمان دفاع می کنیم. وی ادامه می دهد:

"نقاصی ما از مسئولین اینست که صف انقلاب و صدانقلاب را در منطقه هرچه زودتر از هم جدا کنند و نابودی صدانقلاب را به دست زحمتکشان کرد بسپارد، و با اقدامات خلقی، مانند اصلاحات ارضی و غیره، ما را از شر این فئودالهای خائن، که پایگاه اصلی صدانقلاب در منطقه هستند، نجات دهد."

دهقان حوائی می گوید: "من به علت دوری راه و فقدان امکانات و فقر و تنگدستی نتوانستم درس بخوانم. فئودالها همیشه ظلم کرده اند و حالاهم نمی خواهند با شکست انقلاب ایران دوباره ما را مثل برده در اختیار بگیرند. اینها به اضافه ساواکیها و سرمایه داران بطور کلی هم آنها را که خواستار بازگرداندن امریکا هستند، به عراق کمک می کنند. وی در پایان می گوید:

"من هم از دولت می خواهم صف انقلاب و صدانقلاب را در کردستان مشخص کند و شرایط لازم را برای خدمت و جاننازی مستضعفین کردستان در راه انقلاب و اسلام فراهم نماید."

سخان دهقانان کرد خود گویای همه راه حلهاست. توجه دوباره به گفته های سخان این سخن را تأیید می کند: "دولت باید با اقدامات خود صف انقلاب و صدانقلاب را مشخص کند. با اقدامات خلقی مانند اجرای قانون اصلاحات ارضی ما را از شر این فئودالهای خائن که پایگاه اصلی صدانقلاب در منطقه هستند، نجات دهد" و "خونهای - برادران باید برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی در مقابل مزدوران - صدام و اربابانش ریخته شود."

برای گسترش، تحکیم و آسیب ناپذیری انقلاب، باید هرچه زودتر به این سخنان به حق، که از دل دهقان ساده کرد برخاسته است، جامه عمل بپوشاند.

روستای عبدالله تپه سی (لکر) یکی از روستاهای کردنشین کشورمان است. این روستا ۲۷ خانوار را در بر می گیرد و جمعیت آن به ۲۰۰ نفر می رسد. اکثریت روستائیان بی زمین و کم زمین هستند. از ۲۷ خانوار ساکن در روستا ۱۲۰ خانوار بی زمین و ۸ خانوار کم زمین و بقیه صاحب ۱۲۰۰ هکتار از اراضی روستا هستند.

روستای عبدالله تپه سی نمونه دیگریست از درک آن همه خنای و خیانت رژیم پهلوی، که از جمله به علت فعالیت های صدانقلابی و تفرقه افکنانه، هوزارت مرآت بزرگ و خجالت بخش انقلاب خلقی میهنمان بهره ای برده است. عدم توانایی در بهره برداری از مرآت انقلاب در این منطقه، از فقدان امنیت و هرج و مرجی ناشی می شود که عمدا از طرف صدانقلاب به مردم زحمتکشان این منطقه تحمیل گردیده است.

اهالی روستا از نظر آب، این ماده حیاتی به شدت در مصیبه هستند. زبان روستایی برای تهیه آب مورد احتیاج خود و خانواده شان باید ساعت هادر صف منتظر بمانند. کاک احمد یکی از روستائیان می گوید:

"ما اصلا آب برای زمین ها نداریم. نه برق داریم، نه درمانگاه و نه حتی مدرسه و مسجد مرتب. ترا به خدا در روزنامه تان بنویسید که واله ما هم ایرانی هستیم و مثل دیگر هموطنان از انقلابی که سالها برای زحمت کشیده ایم و خونها نثارش کرده ایم، انتظار داریم که به مسائل و مشکلات ما مانند دیگر هموطنان عزیزمان رسیدگی کند، حساب ما را از حساب صدانقلاب جدا کند. انقلاب را به منطقه ما هم بیاورد. نباید بگذاریم بیش از این خونهای به ناحق برادران در مقابل هم ریخته شود. این خونها باید برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی در مقابل مزدوران صدام و اربابانش ریخته شود. ما از مسئولین متعدد و مومن به انقلاب و کلیه نهادهای انقلابی به خصوص مجلس شورای اسلامی خواستار رسیدگی فوری و جدی به مسائل کردستان هستیم و می خواهیم که بگذارند بیش از این عده ای عناصر مشکوک از ادامه برخی سیاستهای نادرست سو استفاده کنند. باید قاطعانه به طرد و سرکوب ضد انقلاب پرداخت، روستاهای کردنشین گناهی ندارند حمله به آنها و قتل و جرح و آتش زدن اموال روستائیان - به نام پاکسازی - بهانه به دست گروه های صدانقلابی در منطقه می دهد. آنها نیز مزرعانه و به نام دفاع از خلق کرد به روستاهای ترک نشین منطقه حمله می برند و همان بلاها را بر سر روستائیان می آورند و جوید بیبلی و نفاق را در بین اهالی کرد و ترک و غیره دامن میزنند و با گسترش آن به انقلاب شکوهمند میهنمان صدمه وارد می آورند."

کاک احمد در مورد جنگ تحمیلی رژیم صدام به ایران اظهار داشت: "روشن است که این جنگ به دستور آمریکا و به وسیله صدام خائن آغاز شد. باید هر اندازه که در توانمان است

ریش سفیدان و شورای ده جمهوری اسلامی قریه آق تپه - کاکلا اطلاع داریم حاج محمد بیگ محمدی مدت چهار ماه است رفت و آمد کرده و زمین مذکور تخم کرده، گندم کاشته و هنوز بعلت نبودن موتور بدون آب مانده. این تأییدیه به امضاء

اعضاء شورای رسید است. لازم به تذکر است که همین چند روز قبل از سیران بیگ محمدی، به اتفاق ۴۰ نفر دیگر از روستائیان آق تپه، که بیشتر از دهقانان بی زمین و کم زمین بودند، دا و طلبانسه عازم جبهه غرب شدند، تا از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در برابر متجاوزان صدامی دفاع کنند.

توضیح: بدینال چاپ مطلبی در شماره ۳۹۰ نامه "مردم" از همین ده، دوستی می نویسد که نام "کیبوتر آهنگ" - غلط طور در مکاتبات مصلح شده است. اسم اصلی ده "کیبوتر آهنگ" است. راهنگ نهر بزرگ و عمیقی بوده که در گذشته از این منطقه میگذشته و ته آن کیبوترنگ بوده است.

فاحاق - هم چنانکه بکرات در نامه "مردم" نوشته شده - زیانهای بزرگی به اقتصاد ملی وارد می آورد و تنها موجب تروتمند شدن بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران و واسطه های عمده و دلالها میشود و ضمناً مجرای است برای تحقق توطئه های ضد -

انقلابیون، یک کشور انقلابی نمیتواند به فاحاق "عادت" کند. بنابراین برای مبارزه با این بدمید، باید از جمله هرچه سریعتر قانون اصلاحات ارضی بسود دهقانان تپه - دست راه اجرا در آورد و با

تهیه و تدارک وسایل کار و امکانات رفاهی برای روستائیان زحمتکش، آتاشرا تشویق به کار کشاورزی و تولیدی کرد. آنها را از حقال حبری فاحاقی هاجات داد این عمل انقلابی - به رینه کن شدن فئودالهای صدانقلابی، که هم اکنون در بلوچستان مشغول توطئه و تحریک هستند، یاری خواهد رساند.

پاسخگویی فوری به نیازهای ضروری روستائیان زحمتکش، کمک به تعمیق انقلاب است

حاج محمد بیگ محمدی، یکی از اهالی روستای آق تپه، به شورای ده و تأیید شورای ده - دهنده بخشی از مشکلات روستائیان و نیاز وافر آنها به کمکهای مالی بانک کشاورزی است. در زیر متن نامه بیگ محمدی و نیز تأییدیه شورای ده آمده است:

"استشهاد و استعلام میشود از آقایان ریش سفیدان و شورای قریه آق تپه بخش کیبوتر - آهنگ هرکس از آقایان اطلاع دارند که اینجانب حاج محمد شهرت بیگ محمدی، مقصدار چهار ده ماه رفت و آمد کردم به اداره بانک کشاورزی همدان برای حفر چاه و خرید موتور و مقدار ۲۰۰ گوهان زمین کشت گندم کردم به امیدیکه موتور بدهند آبیاری میکنم و تولید کشاورزی می - کنم. به گفتار رهبر عزیز حضرت آیت اله العظمی امام خمینی عمل نمایم. به ظرفیت چهار ده ماه هرچه داشتم تمام خرج کردم. بدبخت شدم، مقدار ده خروار گندم از شخص دیگر خریدم و پوشیدم به دو بیست گوهان زمین مذکور، باز هم بانک من گفتند که رهن بدهی تا موتور بدهیم، بحکم آیه شریفه عبدالله عندالرسول رسیدگی نمائید. غیلی بدبخت شدم. و نیز:

"اینجانبان امضاء کننده، ریش سفیدان و شورای ده - دهنده بخشی از مشکلات روستائیان و نیاز وافر آنها به کمکهای مالی بانک کشاورزی است. در زیر متن نامه بیگ محمدی و نیز تأییدیه شورای ده آمده است:

البته واضح است که مسئله اصلی از بین بردن مالکیت های غاصانه و حل مسئله زمین و تامین آب و وام و وسایلی کشاورزی برای روستائیان زحمتکش ده "کیبوتر آهنگ" یا "کیبوتر آهنگ" است.

فعالیت اهالی زحمتکش آن در جریان سرنگونی رژیم طاغوت، بسیار چشمگیر و مشهود بود، بگونه ای که بکرات نام این سختی و شرح مبارزات زحمتکشان آن در روزنامه ها می آمد. اهالی کیبوتر آهنگ و روستاهای تابعه آن، بساز انقلاب و تالخطه حاضر کماکان - به وظیفه بزرگ خود یعنی با ساداری از انقلاب و دستاورد های آن ادامه می دهند.

اهالی این منطقه با مشکلاتی مواجه هستند و انتظار دارند که مسئولان متعهد و انقلابی سازمانهای دولتی با پاسخگویی شایسته به این توقعان، آنان را در انجام وظیفه سترگشان یاری کنند. از جمله روستائیان روستای آق تپه، علاوه بر مشکل زمین و وجود مالکتهای غاصانه، با مسئله بی آبی (برای آب - باری) و فقدان سیمه مالی روبرو هستند. آنان از جمله میخواهند که بانک کشاورزی همدان، بخواهد به روستائیان مستحق وام پرداخت کند. نامه

روستای آق تپه، یکی از روستاهای بخش کیبوتر آهنگ از توابع همدان است. کیبوتر آهنگ نامی آشنا برای مردم انقلابی میهنمان است. زیرا این سخن از جمله مناطقی است که

فعالیت اهالی زحمتکش آن در جریان سرنگونی رژیم طاغوت، بسیار چشمگیر و مشهود بود، بگونه ای که بکرات نام این سختی و شرح مبارزات زحمتکشان آن در روزنامه ها می آمد. اهالی کیبوتر آهنگ و روستاهای تابعه آن، بساز انقلاب و تالخطه حاضر کماکان - به وظیفه بزرگ خود یعنی با ساداری از انقلاب و دستاورد های آن ادامه می دهند.

اهالی این منطقه با مشکلاتی با مشکلاتی مواجه هستند و انتظار دارند که مسئولان متعهد و انقلابی سازمانهای دولتی با پاسخگویی شایسته به این توقعان، آنان را در انجام وظیفه سترگشان یاری کنند. از جمله روستائیان روستای آق تپه، علاوه بر مشکل زمین و وجود مالکتهای غاصانه، با مسئله بی آبی (برای آب - باری) و فقدان سیمه مالی روبرو هستند. آنان از جمله میخواهند که بانک کشاورزی همدان، بخواهد به روستائیان مستحق وام پرداخت کند. نامه

امام خمینی: ما مالکین و سرمایه داران بزرگ را به پای میز محاکمه می کشیم. آنها حقوق کارگران و رعایا را برده اند. بسدین جهت مالک کارخانه ها و زمینهای خود نمی باشند.

طی نامه ای خطاب به رهبران کشورهای جبهه پایداری:

سپاه پاسداران خواستار وحدت با کشورهای «جبهه پایداری» برای مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم شد

✽ در نامه آمده است: «ما دست برادری و وحدت به یکدیگر داده و نیروها و امکانات مادی و معنوی خود را بسیج می کنیم، تا پیروزه امپریالیسم و صهیونیسم را به خاک بمالیم.»

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، طی نامه ای خطاب به روسای کشورهای «جبهه پایداری» خواستار وحدت با آن ها برای مبارزه با امپریالیسم جهانی و صهیونیسم شد. در این نامه، که در شماره آخر «پیام انقلاب» (۱۳ دی ۵۹)، ارگان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، چاپ شده، سپاه پاسداران از روسای جمهوری لیبی، سوریه، الجزایر، یمن، دمکراتیک و رئیس کمیته اجرایی سازمان آزادی بخش فلسطین خواسته است، تا برای مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم، دست برادری و وحدت به یکدیگر داده و نیروها و امکانات مادی و معنوی خود را بسیج کنند. در نامه، ضمن اشاره به محاصره اقتصادی ایران توسط آمریکا و اروپای غربی و فرستاده شدن هواپیماهای آواکس به عربستان، آمده است: «شیطان بزرگ در آخرین دم حیات خود به هر چیز دست زده و بشریت را به نابودی تهدید می کند.» در ادامه نامه، از جمله آمده

است: «احتمانه ترین شیوه آن است که دو کشور اسلامی که ملت های آن ها از یک سرچشمه تغذیه شده و الهام می گیرند، بدست مزدوری پلید به جان هم افتاده و امکانات نیرومند اقتصادی طرفین که می بایست در کوبیدن دژ صهیونیسم در اسرائیل و آزادی فلسطین مصرف گردد، برضد یکدیگر بکار رود. این بلاهتی است که امت اسلامی در قرن چهاردهم هجری بدان مبتلا گشته است.

ای برادران، اکنون و در حالی که پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری و کلیه اقشار ملت شجاع ما با جنگ و دندان به جنگ مزدوران آمریکا در منطقه برخاسته و به خون شهدای خویش سوگند یاد کرده، تا آزادی ملت عراق از یوغ صدام کافرو ایجاد حکومت اسلامی مردمی در آن دیار به جنگ ادامه دهند، این سوالات مورد توجه دولت ها و شخصیت ها و روشنفکران و دانشجویان و کلیه اقشار امت اسلامی است.

سپاه پاسداران در نامه خود، از جمله می پرسد: «چگونه است که مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم بین المللی جدی تلقی نگشته و در پیروزی بر اهریمن ظلم و استعمار جهانی به نیروی عظیم اسلامی و وحدت عقیدتی مسلمین توجهی مبذول نمی گردد...؟ چگونه است که صدام کافر می تواند با استفاده به قومیت عربی و اتکاء به نیروهای نظامی اردن و سعودی و خلیج بر عزیزترین مراکز اسلامی و

انقلاب شکوهمند جهانی یورش برده و شریفترین مردان خدایا، که آزادی بلاد مستعمره اسلامی و نجات بیت المقدس و سرنگونی رژیم های ارتجاعی عرب را در سر می پروراند، هدف گلوله های قرار دهنده، که از بیت المال ملت ستمدیده عراق تهیه شده است؟ چگونه است که دست های مرموز اجانب و استعمارگران در صفوف ما چنان رخنه افکنده که متاسفانه هیچ وحدتی بین ملت های ما و دولت های متروقی ما پایدار نمی ماند و بیشترین فرقه گرایی ها و جبهه بندی ها در صفوف مسلمین به چشم می خورد؟»

سپاه پاسداران در پایان نامه می نویسد:

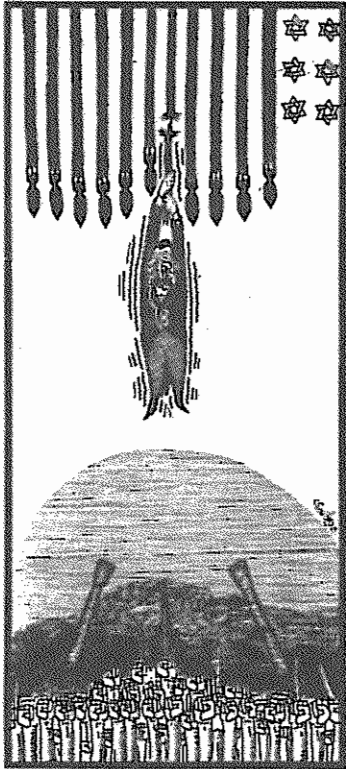
«ای برادران بیایید در این لحظات حساس که دشمن بشریت به آخرین تاکتیک های پلید و ضد مردمی خود دست زده، تا امت اسلامی را از نیل به سعادت دنیا و آخرت محروم ساخته، انقلاب های ضد امپریالیستی منطقه را در حلقه های تنگ نظامی اشیر نموده و به بزرگترین انقلاب اسلامی قرن، که می رود تاجهان را به زور اسلام آشنا و برچم توحید را بر هر کوی و برزن به اهتزاز در آورد، ما صادقانه و برادرانه و دور از هر گونه محاسبات سیاسی، دست برادری و وحدت به یکدیگر داده، نیروها و امکانات مادی و معنوی خود را بسیج می کنیم، تا پیروزه امپریالیسم کافر جهانی و صهیونیسم ویران گر بین المللی را به خاک بمالیم.»

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

در مطبوعات کشور

بساط این چپاول چی را بر چینید

امروزی بینیم سرمایه داران "چپاول چی" نیز بازار وقاحت و بی پروایی را گرم کرده اند و فریاد برداشته اند که اگر این دولت فاقد تخصص "اکنانرود"، با تمام قوا برای برکناری و سرنگونی اش تلاش خواهیم کرد! پشتوانه اینهمه وقاحت و بی پروایی چیست و کجاست؟ چه جریانی، چه داستانی وجه واقعی اینان را که تا دیروز نمی دانستند از سر لولهنگیا از لوله اش وارد آن شوند و ذات مقدس خویش را استتار کنند، چنین جرئت و گستاخی داده است که از آفتابه در آمده اند و آفتاب راطنه می زنند؟! اینها کیستند؟ چکاره اند؟ به نمایندگی از کدام طبقه و کدام دار و دسته می تازند و فتوای سرنگونی می دهند؟ این "چپاول چی" ها کیستند که روزی "دستمال" می چینند و کاروان سربازی سخنرانی علیه حکومت برپا می دارند و روز دیگر "لباس" قدرت و حکومت می دوزند و جامه سلطنت را بر قامت خویش می بندند؟! بساط این "چی چی" های "چپاول چی" چپاولگر را بر چینید. نخستین گناه این وقاحت ها برگردن ما است که غارتگران را امان دادیم و سرمایه داران با حسن نیت و مهربانی! را امان نامه بخشیدیم و تنها به موعظه شان برخاستیم. مگر گرگ را با موعظه می توان رام کرد؟ موعظه "تمام حجت" بوده است نه "تمام حجت". موعظه برای آنهاست که توان توبه دارند و اگر راستی کسی هست که به انقلاب برگردد، باید این را در عمل ثابت کند. "خدیجه وار" هر چه دارد به انقلاب بسپارد. وگرنه دروغ می گوید و خواهیم دید که اگر مشی ما یکسره موعظه باشد و همچنان گلستان سمدی و ملا نصرالدین و امثالهم، روزی خواهد رسید که بدست همیان قربانی شویم.



کیهان، ۲۱-۲۰-۵۹

در سمت تدارک جنگ و سرکوب جنبش های دمکراتیک خلق ها حرکت می کنند. و امروز درست، به همان علت تناسب نیروهای سیاسی و اجتماعی که در عرصه جهانی پدید آمده، میتوان با اطمینان خاطر گفت که، روند تئشج زدائی به پیش خواهد رفت و صلح را می توان حفظ و پایدار کرد. این واقعیت که تناسب قوا در عرصه جهانی به نفع نیروهای صلح و سوسیالیسم همچنان در حال دگرگونی است، تصمی است برای آن که هیچ تلاشی نتواند جس خلق ها را به خاطر آزادی طی. استقلال و ترقی اجتماعی موف سازد. این گونه تلاش ها ممکن است فترنجی های حاد را اوضاع بین المللی پدید آورد، اما قادر نیست جنبش پیشرونده خلق ها را متوقف سازد یا آن را به عقب راند. رویارویی طبقاتی، که محور عمده و محتوای اصلی تکامل جهان را تشکیل می دهد، یک واقف عینی است و هیچ نیروی قادر به محو آن نیست. آرزوی حفظ شرایط و موقعیت اجتماعی موجود، آرزوی پندارگرایانه ای است. حزب کمونیست اتحاد شوروی، با درک عمیق و شناخت کامل اس واقعیت عینی، به تغییر تناسب نیروها در سمت ترقیات اجتماعی مساعدت می کند و در عین حال می کوشد که در این رویارویی طبقاتی در عرصه جهانی، جنگ جهانی و حذف شود. این خط مشی اصولی و تغییرناپذیر حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی در امور بین المللی و در امر مبارزه بدخاطر صلح و سوسیالیسم بوده و همچنان خواهد بود. از هفته نامه "عصر جدید"، شماره ۱۴۰۴۶، نوامبر ۱۹۸۵، نکته ها و طنزهای وسط از نامه "مردم" است.

نیروهای خارجی، رژیم سفاک و خونخوار پیشین برقرار شود. و در آنکول می بایست به نیروهای امپریالیستی امکان داده می شد، تا به دستبازی رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی، نظام انقلابی آن کشور را براندازد، نظامی که در نتیجه پیروزی جنبش رهایی بخش آنکولا استقرار یافته است، می بایست امکان داده شود تا سازمان های که بوسیله "سیا" بوجود آمده اند، در آنکولا به حاکمیت برسند یا این که نباید از اتیوپی، که تمامیت و استقلال سرزمین آن در معرض تهدید است، پشتیبانی شود و نمی بایست به انقلاب افغانستان کمک می شد، تا نیروهای که به وسیله امپریالیسم آمریکا و چین مسلح می شوند و با اعترافات آن ها در خاک کشور دیگر متشکل و مجهز می شوند، رژیم انقلابی را سرنگون کنند و یک نظام قرون وسطایی خون آشام بر مردم این کشور تحمیل نمایند. به گفته لنین، انقلاب راسفاری و با موافقتنامه نمی توان انجام داد، و در عین حال، انقلاب را فرمان و موافقت نامه نمی توان منوع کرد. جهان کهن موظف است تمایل و مساعی خلق ها را برای یوسازی زندگی به شیوه دلخواه خود، در نظر بگیرد. و جهان سوسیالیسم و جنبش کارگری حق دارند و حتی موظفند از این تمایل و مساعی خلق ها پشتیبانی کنند. حزب کمونیست اتحاد شوروی هیچگاه علاقمندی خود را به این مطلب که، تناسب نیروها در عرصه بین المللی، به نفع سوسیالیسم، به نفع طبقه کارگر، به نفع جنبش های صلح بخش ملی و به نفع نیروهای صلح دوست، یعنی به زیسان امپریالیسم و نیروهای محدود طبقات حاکم در کشورهای سرمایه داری دگرگون شود، پنهان نکرده است، یعنی به زبان طبقاتی که بدخاطر منافع طبقاتی و استعمار گران خود.

برای متوقف ساختن روند تئشج زدائی به کار می رود، محکوم می دانند. در فعالیت بین المللی اتحاد شوروی، طی شصت و سه سال پس از انقلاب اکتبر، همواره دو وظیفه استراتژیکی انجام می شود: مبارزه در راه کاهش و خاتم و همزیستی مسالمت آمیز و انترناسیونالیسم به شیوه لنینی. لئونید برژنف در این مورد، در یکی از سخنرانی های خود، تاکید کرد که: "ما از هیچ گونه کوششی برای حنظ روند تئشج زدائی، توفیق در امر خلع سلاح و پشتیبانی از حق مسلح برای رشد و تکامل آزاد و مستقل و حفظ و استحکام مبانی صلح درین نخواهیم کرد. حزب کمونیست اتحاد شوروی همواره مخالف صدور انقلاب و همچنین صدور ضد انقلاب بوده و هست. حزب کمونیست اتحاد شوروی بطور پیگیر از مبارزه خلق ها در راه حقوق خود و بخاطر گزینش آزادانه راه رشد و تکامل خویش پشتیبانی کرده و می کند. در سیاست بین المللی اتحاد شوروی، مبارزه بدخاطر تئشج زدائی با مبارزه در راه ترقیات اجتماعی، پیوند عمیق ناگسستی با یکدیگر دارند. پدیده های مشخص در عرصه بین المللی را، که حتی گاهی در درون جنبش چپ دمکراتیک نیز بحث ایجاد می کند، تنها از این دیدگاه به درستی می توان درک کرد. به عنوان مثال، در ارزیابی مسئله افغانستان و رویدادهای آن کشور و یا مسئله انقلاب ایران، در برخورد به انقلاب نیکاراگوئه و یا سرنگونی رژیم پل پت در کامبوجیا. به این گونه نیز مسئله رامطرح می کنند: برای آن که روند تئشج زدائی ثبات و قوام یابد، بایستی از پشتیبانی از جنبش های رهایی بخش طی امتناع شود. اگر ساده و مشخص بیان شود، مثلا در کامبوجیا نباید مانع آن شد که دوباره، با کمک

این جنبش فشارهای محسوس تری بر طبقه حاکم در کشورهای سرمایه داری بویزه در زمینه سیاست خارجی وارد می آورد، که بورژوازی ناگزیر است به این مطلب توجه داشته باشد. بطور کلی جنبش کارگری، و از آن جمله جنبش سوسیال دمکراسی، در مبارزه علیه جنگ و بخاطر خلع سلاح و حفظ تئشج زدائی، با نقش فعال تری وارد صحنه مبارزه شده است. از سوی دیگر، کشورهای رشد یابنده و جنبش غیرمتحده ها، با وجود ناهمگونی و اختلاف مواضع آنان در مسائل سیاست خارجی، به طور عینی بر روی مواضع ضد امپریالیستی ثبات و استحکام یافته اند. به طور کلی حوادثی که در به اصطلاح جهان سوم روی می دهد، بازتابی از رشد و استحکام گرایش های توده های خلق در سمت تحولات عمیق ضد امپریالیستی و ضد استعماری است. طبیعی است که از چنین گرایش هایی حتی با نیروی سلاح نمی توان جلوگیری کرد. چنین تلاش هایی فقط می تواند موجب وخامت و فترنجی بیشتر اوضاع جهان گردد. اما ساده لوحانه است اگر تصور شود که مقصر تخریب در امر صلح و تئشج زدائی، مبارزه خلق ها علیه جنگ و بدخاطر ترقیات اجتماعی است: گناه این امر به گردن سیاست امپریالیستی ضد تئشج زدائی و محتوای اجتماعی آن است که تلاش دارد، با مداخله در امور داخلی خلق ها، مسابقه تسلیحاتی و رویارویی بین المللی، تناسب نیروهای اجتماعی و طبقاتی را به نفع خود تغییر دهد. اتحاد شوروی همواره با قاطعیت مخالف نظریه حفظ شرایط اجتماعی موجود بوده است. این خط مشی اصولی اتحاد شوروی است که بازتابنده مقتضیات عینی رشد و تکامل اجتماعی جهان است. اتحاد شوروی همچنین به طور پیگیر و با قاطعیت هرگونه تلاشی را که، بویزه در دوران اخیر،

تناسب... بقیه از صفحه ۳ کمونیست اتحاد شوروی تاکید شده است. مویب این واقعیت است که برای جلوگیری از خریدن سوت محیط "جنگ سرد" و تأمین شرایط مساعد جهت ادامه همزیستی مسالمت آمیز، امکانات و عوامل فراوان و عینی وجود دارد. عمده ترین این عوامل و امکانات عبارتند از این که، کلیه دساوردهای اتحاد شوروی و همه جامعه کشورهای سوسیالیستی در سال های هفتاد در عرصه جهانی، برای رویارویی با حمله متقابل امپریالیسم و دستیاران آن و برای حفظ روند تئشج زدائی، به عنوان گرایش برتر در سیاست جهانی، تکیه گاه اطمینان بخشی است. قدرت سیاسی و اقتصادی جهان سوسیالیسم افزایش یافته و در نتیجه اثر بخشی آن بر روند و خصمت بیطرف اوضاع بین المللی بیشتر شده است. اتحاد و همستگی کشورهای برادر سوسیالیستی در مورد مسائل گرهی بین المللی به عاملی تبدیل گشته، که دارای اهمیت جهانی است. این اتحاد و همستگی در آخرین اجلاس کمیته سیاسی و مشورتی کشورهای سوسیالیستی عضو پیمان ورشو، که در ماه مه سال جاری در ورشو پایتخت لهستان، برگزار شد، به نحو درخشانی بازتاب یافت. در مصوبات و اعلامیه های این اجلاس، اهداف مبارزه مشترک کشورهای سوسیالیستی علیه خطر جنگ و راه های دست یابی به این اهداف، خاطر نشان شده است. در این اسناد یک برنامه مشخص برای مبارزه به خاطر صلح، با توجه به تمام دشواری ها و فترنجی های اوضاع جاری، ارائه شده است. مواضع جنبش کارگری در کشورهای سرمایه داری استحکام می یابد و این جنبش هرچه فعال تر در راه حفظ و گسترش حقوق سیاسی و اجتماعی طبقه کارگر و علیه گرایش های نظامی گری و نفوقاشیستی مبارزه می کند.

قابل توجه وزارت ارشاد اسلامی:

ضد انقلاب ورق پاره دیگری منتشر کرد

ماتویست‌های آمریکائی «رنجبر» که زیر نام «اسلام» ورق پاره‌ای بنام «پیام جمعه» را، که امتیاز هم ندارد، مجاناً در تهران توزیع می‌کنند، دست به انتشار ورق پاره بدون امتیاز دیگری بنام «احزاب» زده‌اند، که این یکی هم مجاناً توزیع می‌شود.

ماتویست‌های آمریکائی «رنجبر»، که اکنون تمام و کمال نقاب از چهره ضدانقلابی خویش دریده‌اند و آشکارا در نشریات خود به جمهوری اسلامی ایران و روحانیت مبارز پیرو خط امام حمله می‌کنند، در هفته گذشته دومین ورق پاره ضدانقلابی خود را، که امتیاز هم ندارد و بطور غیرقانونی چاپ می‌شود، منتشر کردند.

ورق پاره جدید ضدانقلاب، که «احزاب» نام دارد، قبلاً در ورق پاره پیشین، یعنی «پیام جمعه» معرفی شده بود، و اکنون در ۱۶ صفحه چاپ و منتشر شده است.

این ورق پاره جدید، که مانند نمونه قبلی اش اصلاً کاری به کار دشمن اصلی خلقهای ایران و جهان، یعنی امپریالیسم آمریکاندارد، تنها و تنها بقصد ایجاد تفرقه در بین مردم منتشر می‌شود. مطالب این ورق پاره تماماً علیه نیروهای است که از خط امام پشتیبانی می‌کنند و سرپای آن مملو از دشنام و افترا به حزب توده ایران، سازمان چریکهای فدائی خلق (اکثریت)، امت و دیگر نیروهای وفادار به جمهوری اسلامی ایران است.

هناطور که در شماره ۴۰۱ «نامه مردم» (اول دیماه ۱۳۵۹) نوشتیم، گردانندگان این ورق پاره بدون امتیاز، دقیقاً همان گردانندگان گروهک آمریکائی - ماتویستی «رنجبر» هستند. این عده قبلاً سازمانی قلابی زیر نام «اسلام» بوجود آورده بودند. هنگامیکه ماهیت ضدانقلابی این سازمان فاش شد، «رنجبری»ها آنرا منحل کردند و بعد از مدتی دست به انتشار «پیام جمعه» زدند. گرداننده این ورق پاره ضدانقلابی یکی از چاقوآوران معروف است، که «انتخاب» عضویت حزب آمریکائی - چینی «رنجبر» را دارد و رهبری حمله به اجتماعات و کتابفروشیها را زیر نقاب «اسلام» برعهده داشته و دارد.

ورق پاره «احزاب» از هفته پیش در هزاران نسخه منتشر و مجاناً در میان نمازگزاران و ذینگر مردم تهران توزیع می‌شود.

ما باریکتر از وزارت ارشاد اسلامی و دیگر مقامات کشور می‌خواهیم که مانع انتشار این ورق پاره ضدانقلابی شوند و اجازه ندهند ورق پاره‌ای که برخلاف قانون و علیه مصالح انقلاب و جمهوری اسلامی ایران منتشر می‌شود، به انجام وظیفه ضدانقلابی خود ادامه دهد.

وزیر کشاورزی:

توقف بند «ج» به کشت پنبه امسال لطمه زد

محمد سلامتی، وزیر کشاورزی، که اخیراً از سفر به منطقه سیستان و بلوچستان بازگشته است، در یک مصاحبه اختصاصی با روزنامه اطلاعات، ضمن برشمردن اشکالات و نقایصی که اکنون در این خطه از میهنمان وجود دارد، به فعالیت‌های مخرب و ضدانقلابیون اشاره کرد و لزوم حل سریع مشکلات مردم زحمتکش سیستان و بلوچستان را یادآور شد. وی همچنین خاطرنشان ساخت که دهقانان با تمام اشتیاق در جهت انقلاب کار می‌کنند.

وزیر کشاورزی در این مصاحبه، ضمن اشاره به کمبود آب، کادر آموزشی و وسایل و امکانات کشاورزی در استان سیستان و بلوچستان، در مورد مشکل زمین، از جمله گفت:

«مشکل زمین در آنجا وجود داشت، که متأسفانه هنوز در یکی دو نقطه مثل ایرانشهر و زابل هیت‌های هفت نفره تشکیل نشده است، که ما قول دادیم در اسرع وقت هیت‌های هفت نفره را در آنجا بوجود بیاوریم».

محمد سلامتی یادآور شد:

«وقتی بند «ج» بطور موقت متوقف شد، گرفتاریهای آنجا بوجود آمد، که این گرفتاریها هنوز ادامه دارد».

وزیر کشاورزی در مورد اثرات توقف اجرای بند «ج» گفت:

«این مسئله باعث شده که به کشت پنبه امسال ما لطمه زده شود. همچنین بعد از بند «ج» در آنجا درگیری‌هایی بوجود آمد، که متأسفانه منجر به کشته شدن ۴ نفر گردید».

محمد سلامتی همچنین خاطرنشان ساخت:

«امیدواریم بتوانیم با تعیین تکلیف بند «ج» و حل اصولی مسئله زمین، این مشکلات را حل کنیم».

وزیر کشاورزی در این مصاحبه همچنین به خواستها و نیازمندیهای کشاورزان سیستان و بلوچستان اشاره کرد و گفت:

«آنها می‌گفتند وقتی زمین از آنما باشد، با دلسوزی و دلگرمی بیشتری می‌توانیم تولید کنیم و در جهت انقلاب نیرو بگذاریم. دیگر اینکه تراکتور بیشتری می‌خواهند، کمبود کود - بذر و مسئله آموزش مطرح بود».

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است!

م.ح. سمنی و دوستان ۱۸۰۰۰ ریال

علاقتمندان می‌توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام تقی کیمنش وبه شماره ۳۲۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه دهخدا)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی بپردازند.

آیت الله منتظری...

بقیه از صفحه ۱

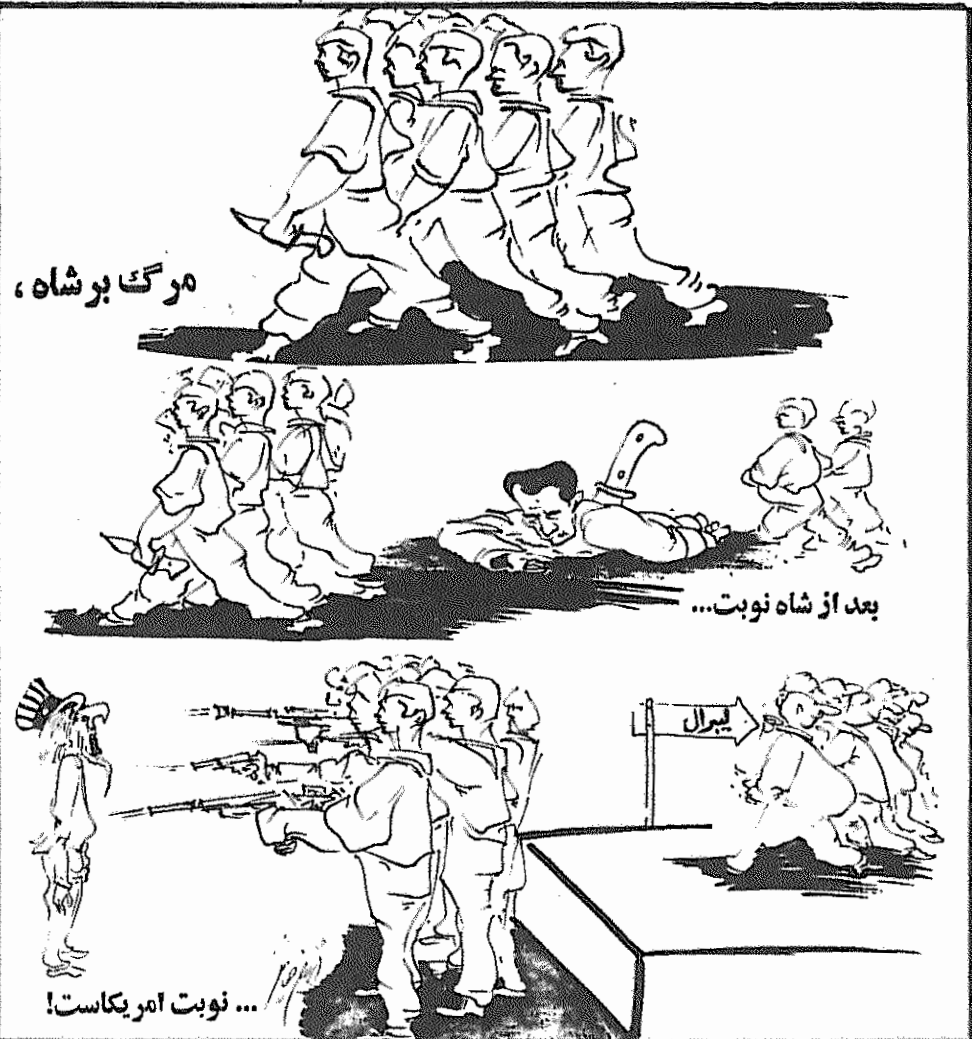
بطور کلی من عقیده‌ام اینستکه گروهها را سر به سر نیاید گذاشت، لیش زدن و زوری که آنها را تحریک کنیم و شعار علیه آنها دادن (درست نیست)... بنابراین برخورد ما با گروهها بایستی خصمانه و با جنگ و ستیز نباشد... یورش و برخورد خشن... با آنها درست نیست، کار باید کار عاقلانه باشد».

دشمن متجاوز در...

بقیه از صفحه ۱

اعلام داشت در چند روز گذشته طی عملیات متهورانه‌ای که از طرف ارتش دلیر جمهوری اسلامی، سپاه پاسداران و بسیج عشایری مستقر در منطقه انجام شد، بیش از یک تپ پیاده ارتش عراق نابود شد. بر طبق همین گزارش در عملیات مشابهی: «بیش از ۱۰۰ نفر، خودرو و تانک و دهها انبار مهمات مزدوران بعثی منهدم گردیده و در این تهاجم، دشمن کافر بیش از ده کیلومتر عقب رانده شد و «تنگه حاجیان» یا «تنگه شهید منوچهر عباسی» به تصرف نیروهای خودی درآمد».

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، نیز در اطلاعیه شماره ۳۷۴ خود بخشی از فعالیت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در مضاف با متجاوزین را، به این شرح اعلام کرد: «۱- روز جاری (چهارشنبه) دلاوران رزمنده ارتش جمهوری اسلامی ایران در یاده ماهشهر - آبادان، یک دستگاه تانک، دو دستگاه نفربر زرهی، ۲ دستگاه خودرو نظامی که یکی از آنها حامل مهمات بود و چندین سنگر دشمن را به آتش کشیدند و تعداد ۱۲ نفر از افراد ارتش عراق بهلاکت رسیدند. همچنین روز گذشته (سهشنبه) در همین محور، با اجرای آتش یگانهای خودی بر روی مواضع دشمن، ۳۲ نفر از افراد عراقی کشته شدند. ۲- دیروز (چهارشنبه) یک فروند هواپیمای میک متجاوز عراقی بوسیله یکی از هواپیمای جنگنده نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران هدف قرار گرفت و در حوالی آبادان سرنگون شد. ۳- در عملیات تهاجمی دیروز (سهشنبه) هلی کوپترهای هواپیمایی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران (هوانیروز)، بر دشمن متجاوز در محور دارخوین - ماز، ۶ دستگاه تانک، خودرو نظامی، یک دستگاه خودرو سوخت رسانی و ۱ دستگاه بولدزر دشمن به آتش کشیده شد و ۲۰ تن از افراد عراقی کشته و تعدادی نیز مجروح شدند. ۴- در روز گذشته نقاطی از شهر آبادان بطور متناوب زیر آتش توپخانه دشمن قرار گرفت که در نتیجه آن ۲ باب منزل مسکونی ویران شد، همچنین دشمن نقاطی از شهر دزفول را با آتش توپخانه دوزخ هدف قرار داد و چندین واحد مسکونی و مغازه خساراتی وارد کرد و ۱ نفر را مجروح ساخت. ۵- نبرد در منطقه سوسنگرد - دهورگان بین رزمندگان دلیر ارتش اسلام و دشمن متجاوز همچنان ادامه دارد. ۶- نیروهای خودی مستقر در اطراف کرخه، با اجرای آتش توپخانه روی مواضع دشمن موفق شدند، ضمن به هلاکت رسانیدن ۲۰ نفر از افراد ارتش عراق به ۱ دستگاه تانک دشمن نیز آسیب برسانند. برابر گزارش، تلفات نیروهای ما در جبهه جنوب، ۱ نفر شهید و ۲۸ نفر مجروح اعلام شده است. ۷- نبرد در مناطق غرب کشور با دشمن متجاوز ادامه دارد و رزمندگان شجاع اسلام، تلفات و خسارات سنگینی به دشمن متجاوز وارد ساختند. روز گذشته، (سهشنبه) در یکی از نواحی مهران، یک نفر سرباز عراقی خود را به ارتش اسلام معرفی و تقاضای پناهندگی کرد. ضمناً بامداد دیروز (سهشنبه) در منطقه گیلانغرب، یک فروند هواپیمای فانتوم نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران سقوط کرد و خلبانان آن با چتر نجات سالم فرود آمدند».



بعد از شاه نوبت... نوبت امریکاست!

امریکا بعنوان...

بقیه از صفحه ۱

«لازم است که مردم ایران بدانند و متقابلاً، برادران نظامی و ارتشی این را بدانند، که مردم پشتیبان آنها هستند، مردم از آنها حمایت می‌کنند. حجت الاسلام خامنه‌ای در همین رابطه همچنین تأکید کرد: «در میان انبوه نظامیان مومن در رده‌های مختلف، هنوز افرادی هم کم و بیش پیدا می‌شوند، که بهترین تعبیر درباره آنها اینست که بگوئیم، هنوز انقلاب اسلامی ایران و مردم انقلابی ایران را نشناخته و ندانسته‌اند. عده اینها، معدود است، اینها زیاد نیستند و امیدواریم کمتر بشوند و امیدواریم اگر افرادی از این قبیل، دارای مسئولیتهایی هستند که آن مسئولیتهای تعیین کننده است، خود را و مردم را بدنبال قبول چنین مسئولیتهایی ندوانند، خیال خودشان و مردم را راحت کنند. اگر کسی مومن به این راه نیست، باید مسئولیت نپذیرد. من فرمانده مومن نظامی را می‌بینم، اما رد کنار او کسانی را هم می‌بینم که باز در رده‌های مختلف نمی‌توانند حقیقت مفهوم انقلاب اسلامی را درک کنند».

حجت الاسلام خامنه‌ای تأکید کرد: «امروز هم دارم اعلام می‌کنم، اکثریت عظیم ارتش، از رده‌های مختلف، افرادی هستند که دارند دین خود را به این مردم واقعا ادا می‌کنند، اما کسانی هم در این بین هستند که احساس دین به این ملت نمی‌کنند. من اگر از آنها نام می‌آورم، اگر به آنها اشاره می‌کنم، برای دفاع از حقوق آن ارتشی مومن و فداکاری است که مجاهدت و فداکاری او را به چشم خود دیدم و نمیتوانم قدردان و سپاسگزار او نباشم و نمیتوانم حقیقت را به مردم نگویم».

تبلیغاتی، بعنوان یک پنهان برای تجاوزهای هرچه بیشتر و ضربه‌های هرچه سهمگین‌تر، این گروهگان پمانند، او مایل نیست که مسئله گروهگان حل شود. وی افزود:

«من از طرف انبوه نمازگزاران و مسلمانان ایران بدینا، اعلام می‌کنم، باعث و موجب بر حل نشدن مشکل بوجود آمده گروهگان، بوسیله امریکائی چار، خود دولت مستکبر و استعمارگر امریکا است».

حجت الاسلام خامنه‌ای درجی دیگر تأکید کرد: «اگر بخواهند (آمریکا) قدم بپوشد دولت جمهوری اسلامی را بدنبال خود بکشاند، بخواهند با پنهان‌های گوناگون ما را بدنبال قبول مطامع امریکائی و صهیونیستی و امپریالیستی بدوانند، بدانند، ما اصول اسلامی را فدای مصلحت‌گرایی نخواهیم کرد».

حجت الاسلام خامنه‌ای سپس ضمن اشاره به مشکلات مختلفی که از «محاصره اقتصادی» امریکا و متحدینش و نیز تجاوزات مکرر آنان به جمهوری اسلامی ایران تحمل شده است، همگان را دعوت به استقامت و پایداری کرد و از جمله گفت: «از دشمن وحشت نکنیم، از امریکائی جنایتکار وحشت نکنیم، از دخالت نظامی وحشت نکنیم، از محاصره اقتصادی وحشت نکنیم، از تحریر مزدورانی مثل صدام یزید، وحشت نکنیم، از فروافتادن به دامن باطل وحشت نکنیم».

حجت الاسلام خامنه‌ای، در خطبه دوم نماز جمعه، ضمن اشاره به فداکاریها و جان نثاریهای فراوان نیروهای انقلاب، اعم از «نیرو-های مسلح ارتش، سپاه پاسداران انقلاب، ژاندارمری، نیروهای داوطلب، به توطئه‌های دشمنان انقلاب برای ایجاد تفرقه در صفوف ارتش و نیز ایجاد بدبینی بین مردم و ارتش اشاره کرد و گفت:

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم!

نبرد در السالوادور ادامه دارد

صدها هزار نفر از مردم السالوادور به اعتصاب عمومی پیوستند

دولتهای گواتمالا و هند و راس تحت فرماندهی مستشاران آمریکائی مردم السالوادور را سرکوب میکنند. حمایت از خلق السالوادور ابعاد گستردهای یافته است.



هندوراس نیز شرکت مستقیم دارد.

همبستگی خلقها با مبارزان السالوادور

دکتر کامپلایز، معاون شورای جهانی صلح و رئیس کمیته صلح پاناما، گفت: «خلقهای مبارز آمریکای لاتین و همه مردم ترقیخواه جهان از مبارزه میهندوستان السالوادور برای آزادی کشور از یوغ امپریالیسم و ارتجاع حمایت میکنند. ما پانامائیا به پیروزی میهندوستان السالوادور اعتقاد کامل داریم. مبارزه خلق السالوادور همه اقتدار و طبقات، کساکران، کشاورزان، زحمتکشان شهری، کسبه، دانشجویان و دانشآموزان، زن و مرد را علیه الیکارشی حاکم که دهها سال است خلق السالوادور را وحشیانه استثمار میکند، متحد کرده است.» وی درباره اثر مبارزه رهاییبخش خلق السالوادور در مجموعه جنبشهای منطقه گفت: «مبارزه مردم السالوادور، اثراتی قاطع بر مبارزه دیگر خلقها و از جمله خلق پاناما، خواهد گذاشت و این اثر بویژه بر مبارزه مردم هندوراس و گواتمالا، چشمگیر خواهد بود.»

همچنین طبق گزارشهای رسیده، گردانهای ارتش هندوراس در عملیات سرکوب انقلابیون تحت فرماندهی افسران آمریکایی عمل میکنند. این گردانها، به سوی چالانتانکو، واقع در نزدیکی مرز، که اکنون تحت کنترل انقلابیون مسلح است، پیشروی میکنند. بنا بر همین گزارشها، گواتمالا نیز چند واحد ارتش خود را به السالوادور فرستاده است و این واحدها، اکنون در سرکوب مردم انقلابی السالوادور، همپای مستشاران آمریکایی، ارتش مزدور السالوادور و گردانهای ارتش ضد خلقی هندوراس عمل میکنند.

آخرین گزارشها، حاکیست که نبرد در شهرهای «ساکاته» و «چالانتانکو» به شدت جریان دارد و در همین حال هواپیماهای ارتش فاشیست السالوادور، حومه شهرها را بمباران میکنند. در این بمبارانها، نیروی هوایی

دختر کمونیسم را به میدان آورده است. امپریالیسم آمریکا اکنون با فریادهای گوشخراش وانمود می کند که کمک بسنه نظامیان السالوادور، برای مقابله با کمکهای نیکاراگوئه و کوبا به انقلابیون این کشور است. از سوی دیگر واحدهایی از ارتشهای مزدور گواتمالا و هندوراس که به دستور آمریکا و برای سرکوب انقلاب السالوادور به این کشور وارد شدهاند به سوی شهرهای مرزی پیش میروند. چند تن از رهبران جنبه آزادیبخش فارابوندو مارتی این مطلب را تأیید کرده و گفتند: «مقدمات این مداخله مسلحانه از طرف وزارت جنگ آمریکا، تدارک دیده شده است.»

همچنین طبق گزارشهای رسیده، گردانهای ارتش هندوراس در عملیات سرکوب انقلابیون تحت فرماندهی افسران آمریکایی عمل میکنند. این گردانها، به سوی چالانتانکو، واقع در نزدیکی مرز، که اکنون تحت کنترل انقلابیون مسلح است، پیشروی میکنند. بنا بر همین گزارشها، گواتمالا نیز چند واحد ارتش خود را به السالوادور فرستاده است و این واحدها، اکنون در سرکوب مردم انقلابی السالوادور، همپای مستشاران آمریکایی، ارتش مزدور السالوادور و گردانهای ارتش ضد خلقی هندوراس عمل میکنند.

آخرین گزارشها، حاکیست که نبرد در شهرهای «ساکاته» و «چالانتانکو» به شدت جریان دارد و در همین حال هواپیماهای ارتش فاشیست السالوادور، حومه شهرها را بمباران میکنند. در این بمبارانها، نیروی هوایی

استانیسلاو کائیا:

درآمد مردم روستاها، با همان سرعت افزایش درآمدهای دیگر اقشار زحمتکش لهستان، بالا خواهد رفت

استانیسلاو کائیا، دبیر اول کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان، درباره اوضاع کشاورزی کشور گفت: «سرعت بخشیدن به توسعه کشاورزی نه تنها برای مردمی که در نواحی روستایی زندگی میکنند، ضرورت اساسی دارد، بلکه برای تمام ملت مهم است.» کائیا، که در اجلاس مشترک دبیران اول کمیتههای منطقهای حزب متحد دهقانی لهستان سخن میگفت، اضافه کرد: «سرمایه گذاری در کشاورزی افزایش خواهد یافت و درآمد مردم روستاها با همان سرعتی که درآمد دیگر اقشار زحمتکش، افزایش می یابد، بالا خواهد رفت.» وی افزود: «اگر ما نتوانیم مسئله مواد غذایی را حل کنیم، مشکل میتوانیم درباره مسائل دیگر بحث کنیم.»

دبیر اول کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان درجای دیگر سخنان خود، کسانی را که میخواهند در ارگانهای خودمختار روستایی خرابکاری کنند، سازمانهای دیگری بوجود آورند و بجز مطرح کردن خواستها، هیچ کاری انجام نمیدهند، شدیداً محکوم کرد و گفت: «این امر بویژه در مورد اصطلاح «همبستگی» روستایی صدق میکند. مردمی که اصلاً تماسی با زندگی روستایی ندارند، میخواهند آنرا ایجاد کنند، و عدهای هم دارای زمین هستند.» کائیا افزود: «در روستاها، جایی برای ابویزیون سیاسی ضدسوسیالیست نباید باشد و حزب متحد کارگر لهستان و حزب متحد دهقانی لهستان در این باره اشتراک نظر دارند.»

پیشرفتهای اقتصادی - اجتماعی در الجزایر

از جمله از طریق گسترش زیر ساختار، ایجاد مناطق صنعتی و کانونهای آذوقه رسانی جدید، پیش بینی میکند. طبق این برنامه در بخش کشاورزی مبالغ هنگفتی سرمایه گذاری خواهد شد، که بویژه برای افزایش بهره وری زراعت نیکار خواهد رفت و در مقایسه با ارقام مشابه در سالهای پیش، رکورد بشمار میرود. الجزایر قصد دارد خود را در زمینه مواد غذایی بتدریج خودکفا سازد، چه این کشور سالانه مبالغ زیادی بابت ورود این گونه کالاها خرج میکند. برای نیل باین مقصود، شرایط زندگی و کار در روستاها بهبود خواهد یافت، در راه تشویق دهقانان به افزایش محصول کوشش خواهد شد، نیروهای کار جوان به عدم ترک دهات ترغیب خواهند گشت و مکانیزاسیون کشاورزی توسعه پیدا خواهد کرد. در الجزایر تا سال ۲۰۰۰، ۲۰ میلیارد دینار برای گسترش زمینهای زراعی از ۳۰۰ هزار هکتار به ۶۰۰ هزار هکتار صرف خواهد شد.

چندی پیش، «مجلس ملی خلق» الجزایر پس از دو هفته بحث و بررسی، برنامه پنجساله ۱۹۸۰ - ۱۹۸۴ (۱۳۵۹-۶۴) آن کشور را تصویب کرد. هدفهای این برنامه عبارتست از: تأمین هرچه بهتر نیازمندیهای توده مردم، افزایش تعادل اقتصادی و ایجاد مبادی مناسبتر برای توسعه کشور تا سال ۱۹۹۰. «جمهوری دموکراتیک خلق الجزایر»، که ۲٫۴ میلیون کیلومتر مربع مساحت و در حدود ۲۰ میلیون نفر جمعیت دارد، تاکنون بسه دستاوردهای بزرگی در چیرگی بر میراث استثمار نزدیک به ۱۳۰ ساله فائل شده و از این نظر وجه جهانی یافته است. در این زمینه میتوان از بازیافت آگاهی ملی، بعنوان بخشی از خلق عرب، اصلاحات ارضی و ایجاد پایه صنعتی چشمگیر، بویژه در پترو منابع نفت و گاز، و موفقیتهای بزرگ در گسترش آموزش، بهزیستی و امور اجتماعی نام برد. گزارش «کمیسیون برنامه و دارای» به پارلمان، بر اساس دستاوردهای نامبرده، مقرر داشته است که، مرکز ثقل سیاست اقتصادی الجزایر چه باید باشد و چگونه میتوان از ظرفیت تولیدی موجود بهتر بهره جست، بارز آوری کار را بالا برد، مکانیسم مدیریت و توزیع را انعطاف بیشتری بخشید، از افزایش تورم گونه قیمت ها جلوگیری کرد و با روند پیدایش عدم تعادل درآمدها به مقابله پرداخت.

یکی از هدفهای برنامه پنجساله الجزایر عبارتست از آموزش کساکران متخصص، تکنیسینها و کمک مهندسان. قرار است که تا سال ۱۹۸۴، یک میلیون معمل کار جدید ایجاد گردد، که ۷۰۰ هزار آنها برای کارگران متخصص خواهد بود. برای پیشبرد این هدف، هم اکنون آموزش اجباری نه ساله مقرر شده است. فزون بر این، لازمست که آموزش کارگران را در کارخانهها گسترش و سرعت بخشید. برای این منظور به معلمهای بیشتری احتیاج است. از اینرو، در نظر گرفته شده است که تا پایان برنامه پنجساله کنونی، بیش از ۵۰ هزار معلم دبستان، ۴۰ هزار معلم راهنمایی و ۲۰ هزار دبیر آموزش یابند. از سوی دیگر، شماره کادریهای دانشگاهی در پنج سال آینده از ۱۰۰ هزار به ۳۰۰ هزار و تعداد تکنیسینها از ۳۶۰ هزار به ۹۰۰ هزار، افزایش پیدا میکند. برنامه پنجساله «جمهوری دموکراتیک خلق الجزایر» توسعه هماهنگ و متعادل مناطق کوناگون این کشور پهناور آفریقای شمالی را،

اواخر پائیز امسال، دولت الجزایر مقررات جدیدی را برای بهبود شرایط زندگی و کار در روستاها، از جمله افزایش واحدهای مسکونی، ایجاد تسهیلات کوناگون در زمینه آموزش و فرهنگ، اعطای اعتبارات به دهقانان خردبها، واکذازی وسائل فنی و غیره، تصویب کرد.

جمعیت الجزایر هر ساله سه صد افزایش می یابد. از اینرو، حل مسئله مسکن یکی از وظائف عمده برنامه پنجساله این کشور بشمار میرود. بموجب این برنامه، تا سال ۱۹۹۰، از طرف دولت ۱٫۲ میلیون خانه جدید ساخته خواهد شد. اما از آنجا که تخمین زده میشود که به ۲ میلیون واحد مسکونی احتیاج باشد، مردم به ساختن خانه برای خود تشویق خواهند گردید. بدین منظور، هر ساله ۱۴۰ هزار قطعه زمین در اختیار مردم قرار خواهد گرفت.

برنامه پنجساله «جمهوری دموکراتیک خلق الجزایر»، با ۴۰۰ میلیارد دینار سرمایه گذاری در صنعت، کشاورزی، آموزش، مسکن و زیر ساختار، توسعه کیفی و عمقی اقتصاد را آغاز می نماید. پرزیدنت شاذلی بن جدید، در سخنرانی خطاب به ملت الجزایر، ضمن اشاره به این واقعیت، افزود که افزایش همه جانبه تولید «نباید بشتابه راهحلی ساده باقی بماند، بلکه لازمست که بازتاب آن هر روز در کوششهای راستین برای عمران کشور و تأمین نیازمندیهای شهروندان بشکل مشخص دیده شود.»

یکی از هدفهای برنامه پنجساله الجزایر عبارتست از آموزش کساکران متخصص، تکنیسینها و کمک مهندسان. قرار است که تا سال ۱۹۸۴، یک میلیون معمل کار جدید ایجاد گردد، که ۷۰۰ هزار آنها برای کارگران متخصص خواهد بود. برای پیشبرد این هدف، هم اکنون آموزش اجباری نه ساله مقرر شده است. فزون بر این، لازمست که آموزش کارگران را در کارخانهها گسترش و سرعت بخشید. برای این منظور به معلمهای بیشتری احتیاج است. از اینرو، در نظر گرفته شده است که تا پایان برنامه پنجساله کنونی، بیش از ۵۰ هزار معلم دبستان، ۴۰ هزار معلم راهنمایی و ۲۰ هزار دبیر آموزش یابند. از سوی دیگر، شماره کادریهای دانشگاهی در پنج سال آینده از ۱۰۰ هزار به ۳۰۰ هزار و تعداد تکنیسینها از ۳۶۰ هزار به ۹۰۰ هزار، افزایش پیدا میکند. برنامه پنجساله «جمهوری دموکراتیک خلق الجزایر» توسعه هماهنگ و متعادل مناطق کوناگون این کشور پهناور آفریقای شمالی را،

متحدان امپریالیست آفریقای جنوبی، کنفرانس ژنورا به شکست کشانند

رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی، با حمایت متحدان غربی خود، کنفرانس ژنو دربار استقلال نامی را با شکست روبرو کرد. رژیم آفریقای جنوبی حاضر نشد موافقتنامه آتن پس پیشنهادی سازمان ملل متحد را امضا کند. از همان آغاز کار کنفرانس روشن بود که آفریقای جنوبی، با حمایت غرب بقصد خرابکاری در کنفرانس ژنور شرکت کرده است. یکی از نمایندگان «سواپو» نماینده واقعی مردم نامی بیا در پی این شکست گفت: «مردم نامی بیا علیه اشغالگران آفریقای جنوبی مبارزه مسلحانه را افزایش خواهند داد و سواپو همچنین برای اعمال مجازاتهای اقتصادی علیه آفریقای جنوبی از سوی جامعه بین المللی، تلاش خواهد کرد.»

کشف شبکه جاسوسی «سیا» در بیروت

سازمان آزادیبخش فلسطین اعلام کرد که یک شبکه جاسوسی «سیا» و «موساد» را در بیروت کشف کرده است. این خبر که در شماره دیروز روزنامه «الرای العالم» درج شد، حاکیست: «رهبری جاسوسان بسطیه چمبر آلن، یکی از کارمندان سفارت آمریکا بوده است. عمال

شهری که بدست خبر گزارهای امپریالیستی سقوط کرد! چندن از نمایندگان عضو حزب کارگر پارلمان بریتانیا، که به افغانستان سفر کرده اند، در شهر جلال آباد، ناظر اجتماع بزرگی بودند که زحمتکشان شهر برای حمایت از «جنبه ملی و میهنی کشور» و پیشبرد هدفهای انقلاب برپا کرده بودند.

لازم به یادآوری است که رسانه های گروهی امپریالیستی بارها از ویران شدن این شهر خبر داده اند و آخرین بار در هفته گذشته اعلام کرده بودند که جلال آباد سرانجام بدست «مبارزان» سقوط کرده است! نمایندگان پارلمان انگلیس در مرز پاکستان از چند مدرسه و بیمارستان که بوسیله جنایتکاران ضدانقلابی ویران شده اند، دیدن کردند. یکی از این نمایندگان، در کنفرانس مطبوعاتی خود، اراجیف روزنامه های غربی، از جمله روزنامه های بریتانیایی، را در مورد اوضاع افغانستان، کذب محض خواند.

وی چندن را کشتند و کوشیدند در سازمانهای فلسطینی و نیروهای ملی و میهن دوست لبنان نفوذ کنند. جاسوسان همچنین موسساتی را در جنوب لبنان، که می توانستند مورد ضربه قرار گیرند، به نیروهای اسرائیلی گزارش می کردند.

Advertisement for 'Mardom' newspaper. Includes the title 'نامه مردم' and 'ارگان مرکزی حزب توده ایران'. It lists the price in various currencies: West-Germany (0.80 DM), France (2 Fr.), Austria (8 Sch.), England (20 P.), Belgium (10 Fr.), Italy (350 L.), U.S.A. (40 Cts), Sweden (1.50 Skr.). It also provides contact information for subscribers in Tehran: صندوق پستی ۱۴/۳۵۵۱، منطقه پستی تهران.